

سال ششم شماره ۶۰ مهر ۱۳۸۹ برابر با اکتبر ۲۰۱۰

تبدیل

ماهنامه



استوره

ایمان

برادر ست یقنظر



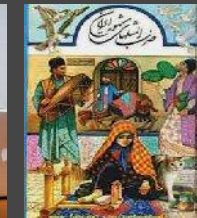
شفاف خواست و اراده خدا



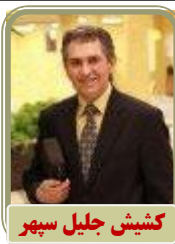
طییب محبوب من



تاریخ شمار انبای مسیحین



روزی، گرگی در دامنه کوه متوجه یک غار شد که حیوانات مختلف از آن عبور می کنند. گرگ بسیار خوشحال شد و فکر کرد که اگر در مقابل غار کمین کند، می تواند حیوانات مختلف را صید کند. بدین سبب، در مقابل خروجی غار کمین کرد تا حیوانات را شکار کند. روز اول، یک گوسفند آمد. گرگ به دنبال گوسفند رفت. اما گوسفند سرعت پا به فرار گذاشت و راه گریزی پیدا کرد و از معرکه گریخت. گرگ بسیار دستپاچه و عصبانی شد و سوراخ را بست. گرگ گمان می کرد که دیگر شکست نخواهد خورد. روز دوم، یک خرگوش آمد. گرگ با تمام نیرو به دنبال خرگوش دوید اما خرگوش از سوراخ کوچک تری در کنار سوراخ قبلی فرار کرد. گرگ سوراخ های دیگر را بست و گفت که دیگر حیوانات نمی توانند از چنگ من بگریزند. روز سوم، یک سنجاب کوچک آمد. گرگ بسیار تلاش کرد تا سنجاب را صید کند. اما سرانجام سنجاب نیز از یک سوراخ بسیار کوچک فرار کرد. گرگ بسیار عصبانی شد و کلیه سوراخ های غار را مسدود کرد. گرگ از تدبیر خود بسیار راضی بود. اما روز چهارم، یک ببر آمد. گرگ که بسیار ترسیده بود بلافاصله به سوی غار پا به فرار گذاشت. ببر گرگ را تعقیب کرد. گرگ در داخل غار به هر سویی می دوید اما راهی برای فرار نداشت و سرانجام طعمه ببر شد.



کشیش جلیل سبهر

آیه که می گوید همان را تولید می کنی

سلیمان حکیم در فصل ۱۸ آیه ۲۱ کتاب امثال خود میفرماید: مرگ و هیات در قدرت زبان است، و آثانی که آن را دوست می دارند میوه اش را خواهند خورد.

مطلبنا مردی که معروفترین و حکیمترین پادشاه در زمان هیات خودش بوده است این حقیقت را به خوبی کشف کرده بود. او می دانست بعد از خدا همه چیز به خود آدمی بستگی دارد. آیه را که او میگوید همان را درو خواهد کرد.

این حقیقت در مورد نباتات ما از گناه نیز صادق است؛ مثلاً نه در ساله به رومیان فصل ۱۰ آیات ۹ و ۱۰ آمده است؛ اگر به زبان خود عیسی خداوند را اعتراف کنی و در دل خود ایمان آوری که خدا او (مسیح) را از مرگ زنده برگزید، نبات خواهی یافت. چونکه به دل ایمان آورده میشود برای عدالت و به زبان اعتراف میشود بیعت نبات.



آری اعتراف ما به خداوندی مسیح و این که او کفار گناهان ما شد باعث نبات ما میشود.

چه زیبا یعقوب به ما می آموزد که اگر کسی در سخن گفتن تلفزه او مرد کامل است و میتواند عنان تمام پسر خود را بکشد. این عضو کوچک بدن ما یعنی زبان است که سر نوشت ما را تعیین میکند! این واقعیت درباره زبان در هر چیز دیگری نیز صدق میکند. در واقع یک حقیقت مضن است که کلام شما چه منفی چه مثبت بر شماست. در شنوگران آیه که خودتان هستی را تولید میکنید. کلمات شما تفم شماست که در مردم شفیه کلام را پیور می آورد. اگر این عادت را داشته باشید که درباره داور و معلومیت صیت کنیز افرادی را تولید می کنید که شما را داور و معلوم کنند، اگر انتقاد کوی را به دیگران اعلام کنید افرادی را درو میکنید که برمیگزیند و از شما انتقاد می کنند. هر آیه در فکر شنوگران و خانواران خود میکارید شما آن را درو می کنید. این قانون را غیر ممکن است که نفی کرد.

در آفر صادقانه از شما دعوت میکنم تا از خود سؤال کنید؛ من چگونه زبان خود را بکار میبرم؟

نس آتلهس، اکتبر ۲۰۱۰
التان باغستانی



هدایای مالی شما باعث **طرقی** ماهنامه تبدیل خواهد بود. برای رفاه حال شما عزیزان سرویس کارتهای اعتباری نیز فراهم می باشد. کمک مالی شامل معافیت مالی خواهد بود.

سجده در مقابل شیطان

خدا میگوید که میخواد تو پا بشی سر به سنگها نزاری جدا بشی به حقیقت سردهی نه به سنگ به حقیقت بخونی نه به په مکر سر تو جلوی شیطان خم نکن دستاتو جلوی اون بلند نکن صبح او ظهر سجده نکن برای اون اخراج مرگ دیدی در راهای اون غم میاره اشک میاره از طریقههای شیطان زمون. خدا میگه: زمین به بد پیشوینت نشات زسنگها نباشه مهربان من با خون بره روی پیشوینت نباشه نمیرد هرگز دگر این جان تو خاک نباشد بستر شبهای تو غم نباشد وصله جانو تنت خیس نکن با اشک ماتم پیرهنه صحبت شیرین من را گوش گیر پسر محبوب من در آغوش گیر مهربان خود از خون بره جان تو بدیت مهمانه فردا تو صحبت شیرین من را گوش گیر چشم به دنیا ندوز با من بشین عاقبت اجرت دهم هر روز و شب صحبت من را تو شود به ره نورخورشید زمین برات کم است از نورم تمام عالم روشن است سپر است خون مسیح برای تو چون دزی محکم باشد پناه تو صحبت من باشد همیشه راه تو گم نشی در راه دنیا باز تو حکمت را میدهم تا که بگی چو مسیح آمد شد رابط تو گر نبود آتش دنیا جای تو چو آمد باغ او گلستان جای تو قفل زندونهای این مرگ شکست اون بهت داد دو تا بال برای خود اسم بالها رو یکی شو روح گذاشت دیگری رو میدونید اسم خودش بود که گذاشت اون میخواد به تن کنی بالهای اون برسی به مقصد منظور اون به زمین تو وصل ناشی به پری به اسمون عاقبت که سر نزاری تو به سنگهای زمون

علی یزدانی 2010-10-13

ماهنامه تبدیل

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: التان باغستانی
ویرایش: نازنین باغستانی
طرح روی جلد: التان باغستانی
ناشر: سازمان خدماتی ایران برای مسیح

خواهشمندیم که جهت دریافت نسخه الکترونیکی و چاپی ماهنامه تبدیل، فرم اشتراک مربوطه را پر کرده و به آدرس ما ارسال نمایید.

آدرس ماهنامه:

Iran for Christ Ministries
P. O. Box: 371043 Reseda, CA 91337 USA
تلفن تماس: ۱۵۲۵ - ۵۲۲ (۸۱۸) و ۸۰۰۰ - ۶۸۱ (۹۴۹)

Tabdil@IRANforCHRIST.com
www.SimaMasih.com
www.Tabdilmagazine.blogfa.com

این ماهنامه حق دارد که مقالات و آگهی ها را چاپ کرده و یا رد کند.
We have the right to refuse publishing.

بخش زنده برنامه تلویزیونی سیمای مسیح هر دوشنبه ساعت ۹:۳۰ صبح به وقت لس آنجلس در شبکه محبت
www.SimaMasih.com آدرس اینترنتی:

رادیو مژده

بخش زنده ۲۴ ساعته برنامه های مسیحی در خدمت فارسی زبانان عزیز

www.RADIOMOJDEH.COM

ماهواره

هانیج، ۱۳ درجه شرقی
فرکانس: ۱۱۰۱۳
افقی
نمیدیل ریت: ۲۷۵۰۰

HOTBIRD AT 13° EAST
FREQUENCY: 11013
HORIZONTAL
SYMBOL RATE: 27500

رادیو مژده، رادیوی ۲۴ ساعته مسیحی، هر روز در باره عیسی مسیح، که کلمه حیات است و می تواند به شما امید و آرامش و رستگاری ابدی عطا کند، به زبان فارسی تعلیم می دهد.

تاریخ شمار ابتدای مسیحیت



۳۳ میلادی: در این سال عیسی مسیح از سوی مقامات رومی که آموزه‌های او را تهدیدی علیه خود می‌پنداشتند، مورد محاکمه قرار گرفت و مصلوب گردید.

۳۷ میلادی: پولس اهل طرسوس (یکی از شهرهای یونان قدیم)، با دیدن رویایی در جاده دمشق، به دین مسیحیت می‌گردد و مأموریت خود را برای تبلیغ مسیحیت به غیر یهودیان، آغاز می‌کند.

۴۲ میلادی: شمعون ملقب به پطرس (از حواریون مسیح) نخستین جامعه مسیحی را بنیانگذاری می‌کند.

۶۴ میلادی: مسیحیان به خاطر آتش سوزی شهر رُم مورد اتهام قرار گرفتند. امپراتور نرون طی تلاشی برای بدست آوردن مجدد محبوبیت خود، آنانرا مورد شکنجه و آزار قرار می‌دهد. پطرس قدیس (سنت پتر) در این زمان کشته می‌شود.

۷۰ میلادی: رومیان اورشلیم (بیت المقدس) را پس از شورش یهودیان بر علیه حکومت آنان، شدیداً تخریب می‌کنند. بسیاری از یهودیان از اورشلیم اخراج می‌شوند. مسیحیان در این شورش علیه رومیان شرکت نمی‌کنند. رُم به مرکز حرکتهای رو به رشد مسیحی تبدیل می‌شود.

۳۰۱ میلادی: تیرداد یکی از پادشاهان ارمنستان، در سال ۳۰۱ میلادی دین مسیحیت را در سرزمین ارمنستان رسمی و آزاد اعلام می‌کند و این در حدود ۱۲ سال زودتر از رسمی شدن دین مسیحیت در امپراتوری روم است.

۳۰۴ میلادی: جوامع مسیحی در اطراف مدیترانه به صورت گروه‌هایی جمع شده و از آنجا تا بریتانیا و دره نیل در مصر، رفتند.

۳۱۳ میلادی: به سبب پشتیبانی امپراتور کنستانتین، مسیحیت خیلی سریع در امپراتوری رُم رشد کرد.

۳۲۵ میلادی: اولین گردهمایی رهبران کلیسای مسیحیت برای تبیین عقاید مسیحیت و سازماندهی جامعه مسیحیت در نقیه تشکیل شد. اعتقادنامه حواریون با اعتقاد نامه نقیه (مجموعه‌ای از باورهای پایه‌ای اعتقادی مسیحیان) نوشته می‌شود. بعد از تعریف و پذیرش این اعتقادنامه، فرقه‌ها و افرادی که الوهیت مسیح را نمی‌پذیرفتند (مانند آریوس) به عنوان بدعت شناخته شدند.

۳۳۰ میلادی: رُم جدید در بیزانس توسط کنستانتین، پایه‌گذاری و دوباره به کنستانتینوپول (استانبول کنونی)، نام‌گذاری شده و به عنوان پایتخت امپراتوری مسیحیت، ساخته می‌شود.

۳۸۱-۳۹۱ میلادی: در طول حکومت تئودوسیوس، مسیحیت به صورت دین رسمی امپراتوری رُم درمی‌آید. پیروان غیرمسیحی کافر و بدعت‌گذاری در مسیحیت (افکار مخالف دیدگاه‌های مسیحیت) غیرقانونی اعلام می‌شود.

کنستانتین

در سال ۳۱۲، کنستانتین در حالی که به طرف رُم می‌رفت تا آن را از رقیب پس بگیرد، اعلام کرد که نشان مسیحی را روی خورشید دیده‌است و جمله «شما با این علامت پیروز خواهید شد»، را به لاتین روی آن خوانده‌است. روی پُلِ میلوین بر روی رودخانه تیبر، ارتش کنستانتین به پیروزی رسید. در مدت کوتاهی، مسیحیت به عنوان مذهب رسمی امپراتوری روم، جایگاه خود را تثبیت کرد. کنستانتین در سال ۳۲۵ شورای را در شهر نقیه دایر کرد که در آن نزدیک ۳۰۰ اسقف شرکت کردند. طی این شورا بررسی جامعی بر روی کتابمقدس (عهدعتی و عهدجدید) انجام گرفت. تلاشهای تحقیقاتی این شورا در نهایت منجر به استخراج مفاهیم پایه‌ای «ایمان مسیحی» گردید. این مفاهیم پایه تحت عنوان «اعتقاد نامه نقیه» منتشر و در دسترس عموم قرار گرفت.

مسیحیت در اروپا و امپراتوری رُم

بانی انتشار مسیحیت در اروپا پولس بود. این شخص که در ابتدا از مخالفین سرسخت مسیحیان بود و از مأمورین لایق دربار رُم در زمینه آزارمسیحیان بشمار می‌رفت، پس از برخورد فراطبیعی خود با مسیح (در سیرجاده دمشق) کاملاً متحول گردید. او سپس پیرو مأموریتی که خود مسیح در همان برخورد به او محول نمود به جمع شاگردان مسیح پیوست و سفیر مسیح برای غیر یهودیان گردید. پولس رساله‌های خود را (نامه‌هایی به اقوام مختلف در شرح مسیحیت و ارتباط با نخستین کلیساها) بعد از صعود مسیح به آسمان نگاشت. در این نامه‌ها او عقاید کلی مسیحیت را در مورد فلسفه زندگی، مژده‌های آمدن مسیح پیش از ظهور او (کتاب عهدعتی)، تفاوت «ایمان» و «شریعت» (شریعت به مجموعه دستوراتی گفته می‌شود که خداوند برای نخستین بار در زمان موسی وضع نمود و آنرا تورات می‌نامند)، آموزه‌های مسیح در مورد محبت و سایر آموزه‌های اخلاقی، خداوند بودن عیسی ناصری (برابری با ذات خداوند) و مسائلی از این دست را بیان داشته‌است. بزرگترین حادثه‌ای که در قرن چهارم میلادی اتفاق افتاد، موضوع طرفداری کنستانتین امپراتور رُم از مسیحیان در سال ۳۱۳ میلادی بود.

شفا

اراده و خواست خدا

صف پیروزمندان

در نظر داشته باشید که در انجیل کلمه مرگ هیچوقت برای اشخاصی که در ایمان به مسیح فوت میکنند استفاده نشده است. انجیل نمی‌گوید که «اینها مرده‌اند» بلکه می‌گوید که «اینها در خوابند». یعنی چه؟ یعنی اینکه بدنهای فانی اینها کار خود را انجام داده‌اند و این ایمانداران خانه خود را از یک بدن فانی عوض کرده‌اند.

در رساله کولسیان فصل ۱۲ آیه ۱۵ می‌خوانیم: مسیح بر روی صلیب، تمام قدرتهای آسمانی و فرمانروایان را خلع سلاح کرد و بر آنها پیروز شد و آنها را پیش همه رسوا ساخت. پیروزی مسیح بر این قوای شیطانی پیروزی من و شما ایمانداران است- مسیح احتیاج نداشت بر این قوای روحانی پیروز شود چون او از ازل مافوق این قوا بود، اما او بخاطر ما، برای پیروزی ما این کار را کرد. وقتی مسیح از مرگ برخاست، ما در اتحاد با او هستیم، ما نیز از مرگ برخاستیم، رساله رومیان فصل ۶ ما بر مرگ پیروز شدیم، ما بر گناه و مرض پیروز شدیم. بعضی افراد سؤال می‌کنند که پس چرا بدنهای ما می‌میرند؟ جواب این است چونکه این خانه یعنی بدن فیزیکی ما فانی است و نمی‌تواند در غیر فانی زیست کند. خداوند برای همه ما ایمانداران بدنی که شبیه بدن خودش است فراهم کرده است و یکره‌وز وقتی کارمان در روی زمین به پایان رسید، از این خانه به خانه روحانی خود منتقل می‌شویم. هر چقدر ما در مورد مرض و شکست خود صحبت کنیم، مشکلات ما قوت می‌گیرند، مرض قوت می‌گیرد. چرا که مسبب این مشکلات دشمن ماست و ما هر چقدر راجع به این مشکلات خود صحبت می‌کنیم دشمن خود را بزرگ کرده، اعتراف می‌کنیم که او بر ما پیروزی دارد. هر وقت ما راجع به ضعف خود صحبت می‌کنیم ضعیفتر می‌شویم چرا که به ضعف خود قوت می‌دهیم. ما بایستی بفهمیم که اعتراف زبان ما خیلی تأثیر بزرگی در زندگیمان دارد. پس باید مواظب باشیم با زبان خود به چه چیز اعتراف می‌کنیم و چه چیز را در زندگی خود تقویت می‌کنیم، ضعف یا قوت، شفا یا بیماری؟ حضرت داوود در زمزم ۱۲۷ آیه ۱ می‌فرماید: *یهوه نور و نجات من است، از که بترسم؟ خداوند مرا از تمام خطرها حفظ می‌کند، هرگز هراسان نخواهم شد.*

در نظر داشته باشید که داوود چه می‌گوید: اگر خداوند قوت ماست پس ما چرا ضعف و ناتوانی را در زندگیمان اعتراف می‌کنیم؟ اعتراف ما بایستی مطابق کلام خدا باشد نه احساساتمان- کلام خدا ابدی است ولی احساس ما عوض می‌شود. امروز گرم هستیم و فردا سرد. ما نمی‌توانیم به احساسات خود توکل کنیم. نگاه اکثر ایرانیها به امروز اینست: «من خسته شده‌ام!.. من بدبختم!.. من افسرده‌ام!.. من بیچاره‌ام! و غیره. هر چقدر این عزیزان اینگونه اعتراف را حفظ میکنند، مطابق زبان خود برایشان می‌شود. یادتان باشد که خداوند عیسی مسیح در این مورد در انجیل مرقس ۱۱ آیه ۲۳ چه فرمود: *یقین بدانید اگر کسی به این کوه بگوید: حرکت کن و به دریا پرتاب شو و شک و شبه‌ای به دل راه ندهد، بلکه ایمان داشته باشد که هر چه بگوید می‌شود، برای او چنان خواهد شد.* بگذارید اعتراف شما مطابق کلام و نه شرایط موقعیت تان باشد. یک ایماندار باید با ایمان به کلام زندگی کند و نه به اطمینان به زندگی و موقعیت خود! یک ایماندار به مسیح قادر به انجام هر کاری است، یلیپیان فصل ۱۴ آیه ۱۳. یک ایماندار نیکی مطلق خداست، دوم قرنتیان فصل ۵ آیه ۲۱. یک ایماندار خلقت تازه‌ای است، دوم قرنتیان فصل ۵ آیه ۱۷. یک ایماندار همیشه در مسیح پیروز است، رساله دوم قرنتیان فصل ۲. یک ایماندار از تمام برکات آسمانی بهره‌مند است، افسسیان ۱ آیه ۳. یک ایماندار دارای قدرت روح قدوس خدا می‌باشد، اعمال ۱ آیه ۸. بگذارید این اعتراف ما، اعتراف حقیقت کلام باشد. در مرقس ۱۶ آیه ۱۸ می‌خوانیم: *اگر ما را را بگیرند و یا زهر بخورند به ایشان آسیبی نخواهد رسید. دستهای خود را بر میزبان خواهند گذاشت و آنان شفا خواهند یافت.* در اینجا می‌بینیم که ایمانداران می‌توانند بر بیماران دست گذاشته و آنها شفا یابند. قدرت خدا نیرویی است که قابل انتقال می‌باشد. یعنی بدین معنا که می‌تواند از یک فرد به فرد دیگر انتقال یابد. برای فهم اینمورد بگذارید تا مرقس ۲۴ الی ۳۱ را مطالعه کنیم: *...جمعیت فراوانی نیز به دنبال او رفتند. مردم از همه طرف به او هجوم می‌آوردند. در میان آنها زنی بود، که مدت دوازده سال مبتلا به خونریزی بود. او متحمل رنجهای زیادی از دست طبیبان بسیاری شده و با وجودی که تمام دارایی خود را در این راه صرف کرده بود، نه تنها هیچ نتیجه‌ای نگرفته بود، بلکه هر روز بدتر می‌شد. او در باره عیسی چیزهایی شنیده بود و به همین دلیل از میان جمعیت گذشت و پشت سر عیسی ایستاد. او با خود گفت: حتی اگر دست خود را به لباسهای او بزنم، خوب خواهم شد. پس لباس او را لمس کرد و خونریزی او فوراً قطع شد و در وجود خود احساس کرد، که دردش درمان یافته است. در همان وقت عیسی پی برد که، قوتی از او صادر شده است. به جمعیت نگاهی کرد و پرسید: چه کسی مرا لمس کرد؟ شاگردانش به او گفتند: میبینی که جمعیت زیادی به توفشار می‌آورند پس چرا میپرسی چه کسی لباس مرا لمس کرد؟ خوب دقت کنید که در آیه ۳۰ خداوند متوجه می‌شود که قدرتی از او خارج شده - این قدرت به چه طریق از او خارج شد؟ می‌دانیم که این قدرت، قدرت شفا بوده چونکه به محض خارج شدن از او آن زن شفا یافت. حال سؤال اینجاست که این قدرت چطور از او خارج شد؟ توسط لمس کردن لباس او. پس با لمس می‌توانیم قدرت شفا را دریافت کرده یا انتقال بدهیم.*

ادامه در شماره بعد...

برای خرید کتابمقدس به زبان فارسی با ما تماس حاصل نمائید

۸۰۰۰ - ۶۸۱ (۹۴۹)

۱۵۲۵ - ۵۲۲ (۸۱۸)



شیطان کیست؟



طیف باورهای مردم در مورد شیطان از چیزهای مسخره تا چیزهای واقعی است- از یک مرد کوچک قرمز با شاخ که روی شانه شخص می نشیند و او را وادار به گناه می کند، تا

توضیحی که استفاده می شود تا شخصیت شریر را مجسم کند. کتاب مقدس، به ما تصویر واضحی را نشان می دهد که شیطان کیست و چطور در زندگی ما اثر می گذارد. ساده بگوییم، کتاب مقدس شیطان را یک فرشته سقوط کرده معرفی می کند که بعثت گناه از مقامی که در بهشت داشت افتاد و الان کاملاً بر ضد خداست، و آنچه از دستش بر بیاید انجام می دهد تا اهداف خداوند را تباه کند. شیطان بعنوان یک فرشته خوب آفریده شد. احتمالاً اشعیا ۱۴: ۱۲ اسم شیطان را قبل از سقوطش به ما می گوید که لوسifer بود. حزقیال ۲۸: ۱۲-۱۴ شیطان را اینطور توضیح می دهد که بصورت کروی خلق شد، یعنی بالاترین مقام در میان فرشتگان. او از موقعیت و زیباییش مغرور شد و خواست که تخت خود را بالای تخت خداوند قرار دهد (اشعیا ۱۴: ۱۳-۱۴، حزقیال ۲۸: ۱۵، ۱ تیموتائوس ۳: ۶). غرور شیطان به افتادنش انجامید. توجه کنید در اشعیا ۱۴: ۱۲-۱۵ چند بار گفته شده که "من خواهم..." بعثت گناهش، خدا شیطان را از بهشت بیرون کرد.

شیطان حاکم این جهان و رئیس قدرت هوا گردید (یوحنا ۱۲: ۳۱، ۲ قرنتیان ۴: ۴، افسسیان ۲: ۲). او مدعی برادران است (مکاشفه ۱۲: ۱۰)، و سوسه کننده (متی ۴: ۳، ۱ تسالونیکیان ۳: ۵)، و فریب دهنده می باشد (پیدایش ۳: ۲، قرنتیان ۴: ۴، مکاشفه ۲۰: ۳). معنی اسم او مخالف یا کسی که ضدیت می کند است. یکی دیگر از القاب او، شریر یا سقوط دهنده می باشد. با وجودیکه شیطان از بهشت بیرون انداخته شد، او هنوز در پی این است که تختش را بالاتر از تخت خدا بگذارد. او هر چه خدا انجام می دهد تقلید می کند، به امید اینکه از طرف دنیا پرستیده شود و مخالفت با پادشاهی خدا را تشریح می کند. شیطان ریشه اصلی هر مذهب دروغین است. شیطان هر کاری که از دستش بر آید انجام می دهد تا با خدا و پیروان او مخالفت کند. به هر حال، سر انجام شیطان تعیین و مهر شده است - یعنی ابدیت در دریاچه آتش (مکاشفه ۲۰: ۱۰).



قتل و ترور مسیحیان توسط شبه نظامیان اسلامگرای سومالی

گفته می شود که این جنایت توسط شبه نظامیان اسلامگرای الشباب صورت گرفته و علت قتل وی تغییر دین از اسلام به مسیحیت بوده است.



به گزارش شبکه خبر مسیحیان فارسی زبان در ادامه خشونت ها علیه مسیحیان سومالی توسط اسلامگرایان، مردی در موگادیشو، پایتخت سومالی، در برابر چشمان همسر و فرزندانش به ضرب گلوله کشته شد و فرزندان نیز ربوده شدند. طی سال گذشته اسلامگرایان ۱۵ مسیحی را به اتهام "ارتداد" در سومالی به قتل رسانده اند که در میان آن ها عده ای زن و کودک نیز بوده اند. اسلامگرایان کودکان را در حضور پدر و مادرشان سر بریدند، تا درس عبرتی برای همه "موتدین" باشند. سومالی، در کنار کره شمالی، ایران و عربستان سعودی، جزو کشورهایی است که در آن ها مسیحیان، به ویژه کسانی که تغییر دین بدهند، بیش از هر جای دیگری تحت تعقیب و آزار هستند. یکی از برنامه های گروه افراطی اسلامی الشباب "پاکسازی" کشور سومالی در شاخ آفریقا از غیر مسلمانان است.

معلومات کتاب مقدسی شما

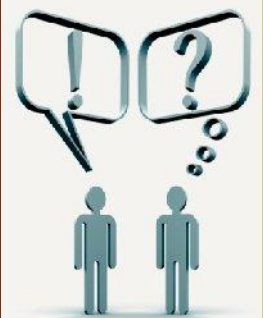
کدام فرشته به مریم اعلام کرد که در آینده حامله خواهد شد؟

جبرئیل

میکائیل

عیسی در چه شهری دنیا آمد؟

پاسخهای خود را با پاسخهای داده شده در صفحه ۱۱ تطبیق دهید.



سیمای مسیح

برنامه تلویزیونی
هر یکشنبه ساعت ۶ عصر : هر دوشنبه ۶ صبح در شبکه
ICFM در کیبل های شهرهای کلندل و برنک
۸۱۸ ۵۲۳ ۱۵۲۵



محکومیت آزار و اذیت اقلیتهای مذهبی

دولت ایالات متحده آمریکا، مراتب نگرانی عمیق خود را نسبت به تداوم آزار، تعقیبی که از سوی دولت ایران متوجه پیروان ک سایر اقلیتهای مذهبی است، اعلام می دارد. بیانیه وزیر امور خارجه



آمریکا؛ آزادی مذهب، حق طبیعی و خدادادی همه انسانها و کلیه پیروان تمامی ادیان و مذاهب در تمامی نقاط زمین ست. دولت ایالات متحده آمریکا، خود را نسبت به دفاع از آزادیهای مذهبی در سراسر جهان، متعهد میداند، و در تبعیت از همین اصل است که جامعه بهاییان ایران را بدست فراموشی نسپرده است. ما کماکان، صدای خود را علیه بی عدالتی بلند خواهیم کرد و بدین وسیله از دولت ایران میخواهیم که حقوق بنیادی کلیه شهروندان خود را مطابق با تعهدات بین المللی خویش، محترم شمرد.



ادامه دارد...

راز کامیابی مسئولیت پذیری کامل



کامروایان چه سان می اندیشند؟ چه چیزی آنان را به سوی کامیابی راهنمایی می کند؟

اگر در جامعه‌ای مردم، دیگران را (از پدر و مادر گرفته تا دولت)، عامل شکست‌ها و عدم پیشرفت‌های خود بدانند، انسانهای کامیاب، هرگز دیگران را مسئول اشتباهات خود ندانسته، مقصرشان نمی‌شمارند. آنان حتی در ذهن خویش همچنین نمی‌اندیشند. شعارشان این است: «اگر من باید ترقی کنم، پس جوابگوی رخدادهای آن نیز هستم». آنها می‌دانند موقعی که می‌گویند کسی یا چیزی شما را از کامیابی باز میدارد، در حقیقت، توان خود را نادیده می‌گیرید. مثلاً به طرف مقابلتان می‌گویند: «تو بیشتر و بهتر از من می‌توانی زندگی‌ام را مهار کنی!».

لس براون را در نظر بگیرید. او بچه‌ای سر راهی بود و در دوران کودکی به وی برچسب «عقب مانده ذهنی» می‌زدند. بنابراین، دلایل زیادی برای از دست دادن امیدش داشت، لیکن زمانی که یکی از دبیران دبیرستان به وی گفت: «نظر دیگران درباره تو واقعیت ندارد»، فهمید که آینده به دست‌های خودش سپرده شده و راهش را چنان ادامه داد تا این که یکی از قانونگذاران و نویسندگان ایالت «اوهایو» گردید و امروزه، به عنوان یکی از سخنرانان برجسته انگیزه دار امریکا، ساعتی حدود بیست هزار دلار عایدی دارد.

براون متوجه شد که از توان انسان خارج است که عواملی همچون طبیعت، گذشته و دیگران را مهار کند، بلکه قادر است بر اندیشه‌ها و واکنش‌های خویش تسلط گردد. پذیرش مسئولیت زندگی خودتان، یکی از نیرو بخش ترین شیوه‌هایی است که می‌توانید به کار بندید.

خواننده گرامی آیا موضوعی در زندگی شما وجود دارد که احتیاج به دعای خصوص دارید؟
تیم دعای ما در ماهنامه تبدیل آماده خدمت به شما می‌باشد.

از شما خواهشمندیم مطالب دعای خود را به ما ارسال کنید تا ما شما متحد شویم.
تلفن: ۱۵۲۵ - ۵۲۲ (۸۱۸) و ۸۰۰۰ - ۶۸۱ (۹۴۹)

Email: Tabdil@iranforchrist.com

آدرس پستی: P. O. Box: 371043 Reseda, CA 91337 USA



وقت شناس بودن!



در مراسم تودیع پدر پابلو، کشیشی که ۳۰ سال در کلیسای شهر کوچکی خدمت کرده و بازنشسته شده بود، از یکی از سیاستمداران اهل محل برای سخنرانی دعوت شده بود. در روز موعود، مهمان سیاستمدار تاخیر داشت و بنابراین کشیش تصمیم گرفت کمی برای مستمعین صحبت کند.

پشت میکروفن قرار گرفته و گفت: ۳۰ سال قبل وارد این شهر شدم. انگار همین دیروز بود. راستش را بخواهید، اولین کسی که برای اعتراف وارد کلیسا شد، مرا به وحشت انداخت. به دزدی هایش، باجگیری، رشوه خواری، هوس رانی، زنا با محارم و هر گناه دیگری که تصور کنید اعتراف کرد. آن روز فکر کردم که جناب اسقف اعظم مرا به بدترین نقطه زمین فرستاده است ولی با گذشت زمان و آشنایی با بقیه اهل محل دریافتم که در اشتباه بوده‌ام و این شهر مردمی نیک دارد. در این لحظه سیاستمدار وارد کلیسا شده و از او خواستند که پشت میکروفن قرار گیرد. در ابتدا از اینکه تاخیر داشت عذر خواهی کرد و سپس گفت که به یاد دارد که زمانیکه پدر پابلو وارد شهر شد، من اولین کسی بود که برای اعتراف مراجعه کردم.

من که بیهوش، خدای تو می‌باشم، خدای غیور هستم.

«من که بیهوش، خدای تو می‌باشم، خدای غیور هستم.» (خروج ۲۰: ۵)



MICHELANGELO

نقاش بزرگ، وان گوگ، هنگامی که بسیار بیمار بود، به برادرش چنین نوشت: «با خود عهد بسته‌ام که بیماری خود را هیچ بینگارم. هنر حسود است و نمی‌خواهد که بیماری را به او ترجیح دهیم، لذا آن کاری را می‌کنم که او می‌خواهد. وقت زیادی از دست رفته است و دستانم بسیار سفید شده‌اند. افرادی مثل من اجازه ندارند که بیمار شوند یا حتی حرف بزنند. لذا تصمیم دارم که بطور منظم از صبح تا شب نقاشی کنم.»

ما نیز خدایی داریم که هم چون هنر می‌باشد. او نمی‌خواهد که ما از مشکلات، یأس‌ها، شکست‌ها و شرارت‌ها گریخته، به دامان پریشانی عصبی یا بیماری روانی پناه ببریم. مسیحیان اجازه ندارند که به بهانه بیماری از انجام کار خود طفره روند. بیماری روحانی نباید وجود داشته باشد. مردی میکل آنژ را که در حال تراشیدن مجسمه‌ای بود، نظاره می‌کرد. از او پرسید: «چه می‌کنی اگر چکش پینی مجسمه را کمی بیش از حد لازم بتراشد؟» میکل آنژ پاسخ داد: «چنین چیزی اتفاق نمی‌افتد.» مرد با اصرار گفت: «فرض کنیم که این اتفاق بیفتد. آیا میتوانی اشتباه را ترمیم کنی؟» مجسمه تراش بار دیگر گفت: «این اتفاق نمی‌افتد.» مرد نمی‌توانست درک کند و گفت: «اگر اتفاق افتاد، چه می‌کنی آنرا عصبانیت فریاد زد: ساکت باش و مرا تنها بگذار! این اتفاق نمی‌افتد!» «هر که در وی (عیسی) ثابت است، گناه نمی‌کند» (اول یوحنا ۳: ۶)، بدین معنی که هرگز به خود اجازه نمی‌دهد که به خاطر مسائل دنیوی یا مشکلات، از هنر و دعوت خود دست بکشد. وی سلوک خود را در طریق خداوند ادامه می‌دهد. خداوند غیور است. وی عمداً نمی‌پذیرد و به ما اجازه نمی‌دهد که در گناه، اندوه یا تنبلی غوطه‌ور شویم. ریچارد ورمبراند



به فیسبوک ماهنامه تبدیل پیوندید

[Facebook.com/tabdilmagazine](https://www.facebook.com/tabdilmagazine)

رهبران مسیحی خواستار جلوگیری از قانونی شدن قمار اینترنتی شدند

رهبران دینی امریکا تلاش می‌کنند اقدامهایی را که برای قانونی کردن انواع قمار آنلاین و دیگر اشکال شرط بندی در اینترنت صورت می‌گیرند خنثی کنند. چندی پیش کمیته خدمات مالی مجلس نمایندگان امریکا به قانون "مقررات قمار اینترنتی، حمایت از مشتری و اجرای قانون" رأی دادند. این لایحه که از سوی باری فرانک ارائه شده بود قانون قمار غیر قانونی اینترنتی را که بیشتر تصویب شده بودنی تأثیر می‌کند، درست چند روز پیش از تصویب این قانون جدید ریچارد لند از فعالان دینی جامعه مسیحی با پیشت به همراه دیگر رهبران دینی مسیحی که طرفدار بنیاد خانواده هستند در نامه‌ای به سران کنگره مخالفت خود را با قانونی شدن قمار آنلاین ابراز کردند. ریچارد لند رئیس کمیسیون اخلاق و آزادی دینی در کنار ۱۳ نفر دیگر این نامه را امضا کردند. این قانون سیاست نامشروعی است که صدمات بسیاری را بر اقشار مختلف خانواده‌های امریکایی وارد می‌کند. قانون پیشین که قمار اینترنتی رامنوع کرده بود با نفوذ گروه‌های مسیحی روی بوش رئیس جمهوری سابق امریکا در سال ۲۰۰۶ تصویب شده بود.

راه‌های برای جلوگیری از طلاق

آیا کنترل زندگی زناشویی خود را از دست داده‌اید؟

آیا درباره این مسئله با خود فکر کرده‌اید که برای حفظ زندگی‌ام چه کاری می‌توانم انجام دهم؟

به شما می‌دهیم که برای ممانعت از طلاق راه‌هایی وجود دارد که برای حفظ زندگی‌تان به شما کمک می‌کند. اولین کاری که باید انجام دهید این است که خونسرد باشید و شرایط خود را ارزیابی کنید. درباره راه‌هایی فکر کنید که ممکن است در مشکلات رایج زندگی زناشویی شما تأثیر داشته باشند.

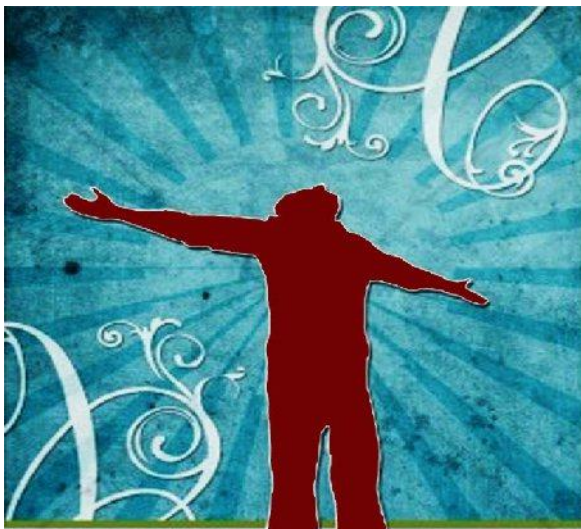
زمانی که همسران اشتباهی مرتکب می‌شود، شما هم به همان اندازه مقصر هستید. با اینکه عقیده دارید همسران مسبب ایجاد مشکلات است، عکس‌العمل شما نیز عامل دیگری برای به وجود آمدن آن مسئله است. رفتارها و گفتارهای منفی تنها به ضرر شما خواهد بود. به منظور جلوگیری از طلاق و حفظ زندگی‌تان، باید از واکنش نشان دادن به رفتارهای



همسران پرهیزید و دست به انجام اقدامات ضروری که زندگی شما را به حالت اول باز میگردانند، بزنید. با وجود این دلایل، انتقاد از روی عصبانیت هم فقط اوضاع را بدتر می‌کند. تغییر برخورد و رفتار کمک زیادی در مانع شدن از پایان یافتن زندگی زناشویی شما می‌کند. عواطف و احساسات شما در برابر همسران مطابق با رفتار شما با او است و احساسات همسران در برابر شما براساس رفتاری است که او با شما دارد. آیا تا به حال با دیگران با عشق، مهربانی و روش‌های متعهدانه برخورد کرده‌اید؟ شما نمیتوانید چگونگی تفکرات و احساسات همسران را کنترل کنید، اما می‌توانید واکنشهای خود را نسبت به همسران تغییر دهید. یادتان باشد تنها کسی که می‌توانید بر او کنترل داشته باشید، فقط خودتان هستید. اغلب، زندگی زناشویی به دلیل گرفتاریهای زن، نظیر کار، فرزندان و مسئولیت‌های روزانه در نگهداری خانواده، تاگی خود را از دست می‌دهد و باعث بی‌توجهی به روابط زناشویی می‌شود. وقتی رابطه‌ای به این نقطه می‌رسد، به راحتی از همسر خود دلسرد می‌شوید و اجازه می‌دهید تا هر چیز پراهمیت دیگری در زندگی جای همسر و زندگی زناشویی‌تان را بگیرد. همچنین، در زندگی‌هایی که به این مرحله رسیده باشند، احتمال جدایی زوج‌ها بیشتر است.

برای همسر خود وقت بگذارید. بنشینید و درباره مسائلی که اتفاق افتاده بطور طبیعی صحبت کنید. درباره آنچه از زندگی مشترک‌تان می‌خواهید و به آن نیاز دارید و آنچه عقیده دارید باعث مشکلات می‌شوند، گفت‌وگو کنید. گفت‌وگو کردن، مشاجره کردن و متهم کردن نیست. به همان اندازه که انسان‌ها دستخوش تغییر می‌شوند، زندگی زناشویی نیز دائماً تغییر می‌کند. به منظور حفظ زندگی مشترک‌تان باید دلایلی که باعث رسیدن به مرحله جدایی شده است را به درستی مورد ارزیابی قرار دهید؛ مشکل هرچه باشد، امیدی برای حفظ زندگی وجود دارد. این رهنمودها در صورتی قادر خواهند بود در آغاز مسیری برای حفظ زندگی زناشویی به شما کمک کنند که خود شما هم برای ممانعت از طلاق مصمم باشید و شما در این راه، نیاز به طرحی قابل اطمینان خواهید داشت. «آیا برای نجات زندگی زناشویی امیدی هست؟» بازديد از هر محكمه‌ای که مربوط به طلاق یا ازدواج است، سؤال بالا برای شما پیش می‌آید. وقتی در بحبوحه پرنشانی و ناراحتی قرار می‌گیرید، گاهی یافتن یک راه‌حل، دشوار خواهد بود. اما پاسخ این سؤال این است که «بله، در بیشتر موارد برای نجات زندگی امیدی هست». بیشتر مشکلات ریشه در روابط بد یا عدم ارتباط دارند، به همین دلیل، بیشتر اوقات در زندگی مشترک وقتی یکی حرف طلاق را به میان می‌آورد، طرف مقابل کاملاً غافلگیر می‌شود. اجازه دهید تا مثالی را عنوان کنم. زنی، که ما او را لیلیا می‌نامیم، به زمان بیشتری برای گفت‌وگو با شوهرش نیاز دارد. شوهر او، که او را کامران می‌نامیم، ممکن است شغلی داشته باشد که احتیاج به اضافه‌کاری زیادی داشته باشد، همچنین او سرگرمی‌هایی دارد که در اوقات بیکاری‌اش به آنها می‌پردازد، اما لیلیا در آنها شرکت نمی‌کند. لیلیا به جای صحبت کردن با کامران و به جای اینکه به او بگوید که دوست دارد زمان بیشتری را با هم بگذرانند، انتظار دارد کامران نیاز او را درک کند و وقتی کامران متوجه این موضوع نمی‌شود، بسیار عصبانی و رنجیده خاطر می‌شود. لیلیا بالاخره به کامران موضوع را گفت در حالی که از او عصبانی بود ولی کامران حتی دلیل آن را هم نمی‌دانست. چه اتفاقی افتاده بود که یک مسئله کوچک تبدیل به بحثی بزرگ شده بود؟ کامران حتی نمی‌دانست مسئله‌ای که برای لیلیا مشکلی بزرگ است، به وجود آمده. مشکل لیلیا و کامران چیزی است که بیشتر زوج‌ها در زندگی مشترک خود با آن دست به گریبان هستند و آن فقدان یک ارتباط ساده است که بطرز غیرقابل کنترلی اختلافات را تشدید می‌کند. این یک سناریوی ساختگی بود، اما به شما قول می‌دهم چنین رویدادهایی همیشه و در همه خانواده‌ها پیش می‌آید. وقتی مشکلی کوچک مورد توجه قرار نگیرد، بدون اینکه متوجه شوید تبدیل به مشکلی بزرگ، پیش رویتان می‌شود. آیا تا به حال به مشکلی جزئی اجازه داده‌اید که آنقدر بزرگ شود که شما در برابر آن عکس‌العملی جدی نشان دهید؟ حتی اگر مشکلات زندگی بیش از حد بزرگ شده باشند هم هنوز امیدی برای نجات زندگی مشترک وجود دارد، بشرط آنکه برای حل مشکلات از دیگران کمک بگیرید. هر چه بیشتر از مشکلات دوری کنید، زندگی زناشویی‌تان بیش از پیش آسیب خواهد دید. زندگی‌های مشترکی که در نقطه شکست قرار دارند، به منظور حفظ زندگی، شما به طرحی نیاز دارید که اجازه درک مشکلات و تمرکز بر بازیابی عشق و تعهد را که سابق بر این جزئی از زندگی مشترک شما بوده، بدهد. طبق آمارها، نیمی از ازدواج‌ها در ۷ سال اول زندگی مشترک پایان می‌پذیرد.

منبع: همشهری آنلاین



کلیسای سفیران مسیح

کلیسای سفیران مسیح



از شما دوستان فارسی زبان عزیز دعوت به عمل می‌آوریم تا در جلسات عبادتی این کلیسا که هر شب ۶ ساعت و هر یکشنبه ساعت ۶ و دلدن هلیز و هر یکشنبه ساعت ۶ عصر در شهر اروین برگزار می‌گردد، حضور بهم رسانید.

۱۵۲۵ - ۵۲۲ (۸۱۸) ۸۰۰۰ - ۶۸۱ (۹۴۹)

21300 Califa st. Woodland Hills, CA 81367

18842 Teller Ave. Irvine, CA 92612

www.SimaMasih.com

مورد حجاب در دین یهود

برای دختر مجرد: پوشاندن موها در هنگام دعا یا نماز - پوشاندن دست‌ها تا زیر آرنج - پوشاندن پاها تا ۱۰ سانت زیر زانو.

برای خانم متأهل: پوشاندن موها در مقابل مردان به جز پدر، شوهر و فرزندان پوشاندن دست‌ها حداقل تا زیر آرنج و بصورت ارجح تا مع دست - پوشاندن پاها تا مع پاویل دورانت، که معمولاً سعی می‌کند موارد فرهنگی یا احیاناً تزیینات و آرایش‌های زنان هر قوم را با آب و تاب نقل کند تا آن را طبیعی جلوه دهد، در این مورد می‌گوید: در طول قرون وسطا، یهودیان همچنان زنان خویش را با البسه



فاخر می‌آراستند، لکن به آنها اجازه نمی‌دادند که با سرعریان به میان مردم روند. پوشاندن موی سر، خلافی بود که مرتکب آن مستوجب طلاق می‌ساخت. از جمله تعالیم شرعی یکی آن بود که مرد یهودی نباید در حضور زنی که موی سرش هودپاست، دست دعا به درگاه خدا بردارد.

او در توصیف زنان یهودی می‌گوید: زندگی جنسی آنان علی‌رغم تعدد زوجات، به طرز شایان توجه، منزله از خطایا بود. زنان آنان دوشیزگانی محجوب، همسرانی ساعی، مادرانی پُرزا، و آمین بودند و از آن‌جا که زود وصلت می‌کردند، فحشا به حداقل، تخفیف پیدا می‌کرد. در اصول اخلاقی «تلمود» که آیین نامه زندگی یهودیان است، آمده: «اگر زنی به نقض قانون یهود می‌پرداخت، چنانچه مثلاً بی آنکه چیزی بر سر داشت به میان مردم می‌رفت و یا در شارع عام نخ می‌رشت یا با هر سخنی از مردان درد دل می‌کرد یا صدایش آنقدر بلند بود که چون در خانه‌اش تکلم می‌نمود، همسایگانش می‌توانستند سخنان او را بشنوند، در آن صورت مرد حق داشت بدون پرداخت مهریه او را طلاق دهد.»

طنزهای همسرانه

یک آقا بابت یک کالای ۱ دلاری که نیاز دارد ۲ دلار می‌پردازد! یک خانم بابت یک کالای ۲ دلاری که نیاز ندارد ۱ دلار می‌پردازد! چون دو سال است ازدواج کردم، دیگر از ترویس‌ها وحشی ندارم. من در ازدواج شانس نداشتم، اولی مرا ول کرد و رفت، و دومی این کار را نکرد.

برخی رسم رسوم‌ها بسیار امروزی شده‌اند

ما رسم داریم داماد حداقل ماهی یکبار خانواده دختر را به جزیره کیش ببرد. ما رسم داریم داماد هزینه عمل دماغ مادر بزرگ عروس را بدهد. ما رسم داریم...



خدایی هست به یاد ما

روزی تاریک این بوستان غم اخراج تاریکی محض عذاب
توی جای جای دل زمین ما گوشت تن‌های غریب آدمای
سیاهی بود پایشان نوری نبود زندگی بود پایشان عشقی نبود
آدمی دور شده بود از پدرش توی دنیا
زیر سایه‌های مرگ خوابیده بود
زندگی زندون مرگ بود ابدی نشود
برایش رنگ میوه‌های اون باغ پاک شدن توی خیالش
خدا می‌دید که چه کردن چی شدن خدا رو بردن زیاد
از سره فیض عظیمش محبت عشق و زینش توی بستر زمین عشقی نهاد
تو وجودش همه اینها رو داد عیسی رو داد
برامون که شود نوره حقیقت که شود اعصای ایمان
می‌دونست که بر صلیبش می‌کند آدما چه سخت عذابش می‌کنند
ولی می‌خواست که بمیره واسه ما آدما
تافهمیم که کسی هست اونا بالا به یاد ما
بره قربانی شو هدی می‌کرد تو میدونی که چه کرد
خون اون بره پاک ریخته شد
برای ما آدمی زهر گناه شسته شد مثل خدا
سپری شد برای ایمان ما به حقیقت سوخ میداد پاهای ما
دیگه تاریکی نشد شاه زمین آدمی در بند شیطان رجیم
دیگه شلاق نبود به دست شاهش
جون اون مرده نبود با یک گناهی
عاشقی بود بجای نفرت کینه توی
تاریکی شب اون بود چراغش
از سما میداد پیامش گم نشی فرزند آدم
عیسی آمد که بشه برات فدایت
آخراش شد که نشی رسوای عالم
تو بخوان که او خدا هست اون میاد میده
جواب عاشقی کرده برایت می‌بینی داده جوابت
بوی مطبوع کلامش محبت شیرین جانش
داوری نکرد برابرم عاشقی کرده برابرم

علی بزدیان 10-13-2010



مذهبی در همدان نیز یک نمونه دیگر بود که موجب دردسر و ناراحتی دکتر سعید خان شد. به وسیله افراد و دارو دسته او بود که سعیدخان در سال ۱۲۸۳ بسیار معذب و سرگردان شد و به تهران گریخت. وقتیکه در سال ۱۲۹۰ برای مدتی استراحت به

همدان مراجعت نمود، شخص مذکور که به زخم معده مبتلا شده بود به او پناهنده شد که دردش را درمان کند. دکتر سعیدخان بدون در نظر گرفتن آن همه ناراحتی‌هایی که از وی دیده بود، بنابه دستور مولای خود که فرمود: دشمنان خود را محبت کنید... با کمال خوشروئی با قلبی آکنده از محبت او را معالجه نمود. این عمل موجب یک دوستی صمیمانه بین آن دو گردید. از آن پس هر سال که دکتر برای گذراندن تعطیلات به همدان می‌رفت، مکرراً به دیدن همدیگر می‌رفتند. هر موقع که او یا یکی از افراد خانواده اش مریض میشد، دکتر سعید خان مجاناً وی را معالجه مینمود. قدرت خدا بود که سعیدخان را عوض کرد و از یک نفر گرد متعصب، یکی مسیحی فروتن و فداکار ساخت. به علت همین تحولات زندگی و خدمات مؤثر به هموطنانش بود که آقای مارتایمر دوراند در باره وی چنین شهادت داد: اگر مسیون آمریکایی در تمام سالهای خدمتش کسی را جز دکتر سعیدخان بسوی خدا هدایت نمیکرد، باز هم عبث زحمت نکشیده بود.

سالهای آخر

تابستان ۱۳۱۶ سعیدخان طبق معمول برای استراحت و مدتی کناره گیری از فعالیتهای خسته کننده در تهران به همدان رفت. با خانواده اش زیر سایه درختان بید در حیاط منزل ییلاقی، دور سماور نشسته، مشغول نوشیدن چای بودند. روی زانوی دکتر نوه کوچولوش نشسته و با حرفهای بچگانه اش وی را سرگرم ساخته بود. ناگهان حرف خود را قطع کرده، در حالی که با انگشت خود به دو نفر به طرف آنها نزدیک میشدند اشاره نمود و گفت: بابا بزرگ نگاه کن! دکتر حتی در آن گوشه دور افتاده از دست بیماران آسایش نداشت. دوستان غالباً بدون اطلاع قبلی به دیدنش می‌رفتند. آن دو نفر نزدیک تر شدند و معلوم شد یکی لباس افسر شهربانی و دیگری لباس شخصی بر تن داشت. تازه واردها به گرمی پذیرفته شدند و پس از نوشیدن یکی دو استکان چای، افسر مذکور گفت: رئیس شهربانی به شما سلام رساند و از این که می‌خواهد به شما زحمت بدهد عذر خواسته است. او یک مریض دارد که حالش خیلی وخیم است و ما را فرستاده تا با ماشین جنابعلی را به بایلین بیمار ببریم. دکتر با عجله حاضر شد و کیف خود را برداشته بدون تأخیر همراه آن دو نفر به راه افتاد. وقتی که در ماشین افسر مذکور به کنار او نشست متوجه شد که توقیف شده است.

ساکنان باغ که به در ورودی نگاه کردند اثری از ماشین ندیدند، اما یکی از برادر زاده های سعیدخان که به باغ برمیگشت، او را در ماشین دیده و پی به موضوع برده بود. در این اثنا دکتر سعید خان به مغز خود فشار می‌آورد تا علت توقیف و دستگیری خود را بفهمد ولی چیزی به خاطرش نمی‌رسید. افسر مذکور پس از چند لحظه سکوت دست روی زانوی سعیدخان گذاشته و به آرامی گفت: چیز مهمی نیست. فقط باید به چند سؤال پاسخ بدهید. آیا میدانید چرا مرا توقیف نموده اند؟

البته، همانظوری که گفتم مهم نیست. تا آنجا که من اطلاع دارم مربوط به نامه ای است که اخیراً نوشته اید. در آن موقع برای برقراری و حفظ امنیت و شناخت متمران و گردنکنان همه چیز تحت کنترل بود. شش روز قبل از آن دکتر سعیدخان نامه ای مبنی بر اظهار همدردی به دختر یکی از سران قبایل کردستان که در همان موقع در سن هشتاد سالگی در گذشته بود، نوشت. بعضی از قبایل عشایر بنای نافرمانی را نهاده بودند، حکومت وقت برای آنکه بتواند آنها را به اطاعت خود درآورد، رؤسا و سران برخی از ایشان را دستگیر و بعنوان گروگان زندانی میکرد.

ادامه در شماره بعد...

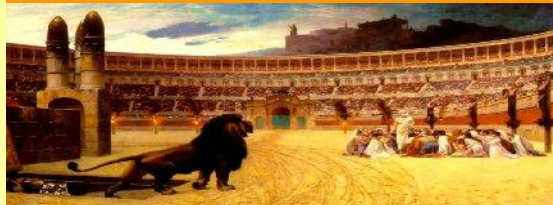


شرح زندگی
دکتر سعیدخان کردستانی

قیمت یازدهم: پزشک خانواده

عده زیادی توسط او به حقیقت آئین مسیحیت می‌گرویدند و در کلیسا به ایمان خود اعتراف می‌کردند، منتها برای این که مورد ملامت اطرافیان خود قرار نگیرند از شهادت دادن در ملاء عام خودداری می‌نمودند. کار طبابت وسیله مؤثری برای بشارت دادن بود. او فقط به معالجه جسم بیماران اکتفا نمی‌کرد، بلکه همچنین میکوشید که روحهای آنها را نیز که در اثر گناه مریض و ناتوان شده بودند، علاج کند. در منازل شان برای آن ها کتاب مقدس می‌خواند و با ایشان صحبت و در پایان دعا می‌کرد. در مسافرتهاى خود وقتی که به خانه ای وارد می‌شد از دین و ایمان مسیحی خود برای اهل آن خانه سخن می‌گفت. هنگامی که برای طبابت به حضور رجال مملکت احضار می‌شد فرصت را مغتنم شمرده، شهادت و بشارت خود را می‌داد. بسیاری از ناراحتی‌هایی که برایش ایجاد شد، در نتیجه همین دائماً سخن گفتن و بشارت دادن بود. چنان که گفته شد او بدون در نظر گرفتن مصائب و مشکلات و اذیت و آزار، موقع طبابت می‌کوشید از لحاظ روحانی مریضان را کمک کند. به همین علت بود که یک بار حاکم همدان به وی گفت: چرا اینقدر درباره مسیحیت صحبت میکنی و بدینوسیله مردم را بر علیه خود تحریک مینمائی؟ برو و یگر در این مورد سخن مگو. اما دکتر سعیدخان درختی نبود که به این بادها بلرزد او همواره میکوشید خدا را خوشنود سازد و او را اطاعت نماید نه انسان را. او مانند شاگردان اولیه نمیتوانست آنچه را که دیده و شنیده بود نگوید. چون ایمانش تحقیقی و از روی تجربه شخصی حاصل شده بود، هر آنچه که میگفت مؤثر بود و لاجرم بر دل می‌نشت. اگر کسی توانسته است حکم مسیح را که فرمود: دشمنان خود را محبت و برای ایشان دعای خیر کنید به نحو شایسته ای اجرا نماید، همانا سعیدخان بوده است. یکی از روزهای پنجشنبه بعد از ظهر هنگامی که جلسه بشارتی در منزلش تشکیل داده بود، مردی با لباس نظامی که معلوم بود از دمل پشت گردنش رنج میرد وارد اطاق شد. دکتر با کمال ادب و مهربانی از او دعوت کرد که در خواندن کتابمقدس با آنها شرکت کند. و گفت پس از پایان جلسه او را مداوا خواهد نمود. در خاتمه جلسه دکتر برای آوردن چاقوی جراحی اش به مطب رفت. بعد از چند لحظه سکوت افسر ارتش خطاب به حضار گفت: آقایان شما مرا نمی‌شناسید. سالهای پیش من در صدد کشتن این دکتر بودم، اما او به جای انتقام گرفتن، سالهاست که خوشنودان من و اینک خودم را معالجه میکند. پس از آن که عمل جراحی تمام شد، یک فنجان چای نوشید و آنجا را ترک نمود. شخصی معروف

تاریخ ورود مسیحیت به ایران



در سال ۲۸۰ میلادی شخصی بنام «پاپا» به مقام اسقفی مداین که پایتخت کشور ایران بود منصوب گردید. این شخص به فکر افتاد که مسیحیان پراکنده ایران را جمع کرده مرکزی برای آنها در مداین تشکیل دهد و از خودپسندی که داشت خویشتر را لایق ریاست بر آن ها می دانست و چون دیگران زیر بار او نرفتند باسقفانی که تبعه دولت روم بودند پناهنده شد و به کمک ایشان مقامی که می خواست بدست آورد و خویشتر را (جائلیق) و رئیس کل کلیسای ایران نامید. اینگونه مقام طلبی بدبختانه کم و بیش در تاریخ کلیسای مشرق زمین ادامه داشته و یکی از علت های انحطاط مسیحیت در ایران بطور یقین همین رقابت و جاه طلبی ها بوده است.

مسیحی شدن قسطنطین و تأثیر آن در حال مسیحیان ایران:

در سال ۳۱۲ میلادی در روم اتفاقی افتاد که به تنهایی چندان قابل اهمیت نبود ولی تأثیر بزرگی در حال مسیحیان ایرانی نمود و آن واقعه مسیحی شدن قسطنطین امپراطور روم بود. تا این زمان شاهنشاهان ساسانی مسیحیان را مانند یکی از فرقی می دانستند که بطور عادی در کشور آنها می زیستند ولی حال که بزرگترین دشمن ایشان یعنی امپراطوری روم رسماً مسیحی شده بود نمی توانستند وجود کسانی که خود را با دشمنان ایشان همکیش می دانستند تحمل کنند. بخصوص این که عیسویان ایرانی خود را در میهن خود بیگانه می دانستند و به آزادی همکیشان رومی خود غبطه می خوردند و آرزو می کردند آنها هم به هر وجهی شده است آزاد شوند و از این جهت از جنگ با روم خود داری می کردند و حتی گاهی شکست ایران را از رومیان پیش بینی می کردند. باید دانست که مفهوم میهن دوستی امروزه با آنکه در آن روزگاران به آن معتقد بودند فرق دارد. در قدیم بیشتر به مذهب نظر داشتند و حتی لفظ ملت را هم به معنی فرقه مذهبی بکار می بردند. معنی این کلمه از مشروطیت تا به حال در فارسی فرق کرده و به اهالی یک کشور از هر دینی که می خواهند باشند اطلاق می گردد. اصولاً باید دانست که وطن پرستی و دفاع از آب و خاک به شکلی که امروز وجود دارد چیزی است تازه والا حتی در اروپا هم بیشتر نظریه مذهب داشتند و اختلافات و اتحادیه ها اغلب مذهبی بوده است. بنابراین نباید مسیحیان ایرانی دوره ساسانی را یکباره خائن شمرده بخصوص اینکه با وجود آزارهای بی اندازه سخت که بوسیله هم میهنانشان به ایشان می رسید هیچگاه شورشی نکرده و علم طغیان برنمیافراشتند با این که عده ایشان زیاد بود.

جفای شدید در زمان شاپور دوم:

بعد از آنکه قسطنطین وفات کرد جنگ ممتدی که ۲۵ سال ادامه داشت بین ایران و روم شروع شد و بالاخره به پیروزی شاپور دوم انجامید و نتیجه این شد که تسلط ایران بر قسمت غرب یعنی بین النهرین و به ویژه نصیب زبادتیر گردید. چیزی از ابتدا این جنگ نگذشته بود که شاپور به «جائلیق» مسیحیان که در این وقت شمعون بود فرمان داد که باید مالیات دو برابر از عیسویان گرفته شود و چون جائلیق قبول نکرد پادشاه فوق العاده عصبانی شد و شمعون را توقیف و کلیساهای را خراب کرد. از این پس دوره جفای هولناکی برای مسیحیان شروع شد که تا مرگ شاپور که ۴۲ سال بعد اتفاق افتاد ادامه داشت. در طول این مدت مسیحیان را به انواع مختلف شکنجه داده می کشند. در اول به ایشان می گفتند ایمان خود را انکار کنید و اگر این کار را عمل می کردند رهایی می افتند ولی اگر از انکار سرپیچی می کردند یا سنگسار می شدند و یا با شمشیر کشته می شدند و یا پاره پاره می گشتند. اسامی ۱۶۰۰ نفر که به قتل رسیده اند در تواریخ ثبت است. شاپور دوم چون سابقه دوستی با شمعون جائلیق داشت فرصت های زیادی به او داد تا ایمان خود را انکار کند؛ از جمله ۵ اسقف و ۱۰۰ کشیش را جلو روی او کشند و بالاخره چون راضی نشد دست از ایمان خود بردارد او را هم به قتل رسانیدند.

ادامه در شماره بعد

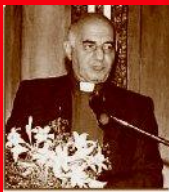
چنانچه مایل هستید، میتوانید نسخه چاپی کتابمقدس فارسی را در وب سایت زیر مطالعه فرمائید.
www.SimaMasih.com

خداوند، من اعتراف می کنم گناهکار هستم. ایمان دارم که عیسای مسیح بخاطر گناهان من بر روی صلیب، جان خود را فدا نمود و بوسیله رستخیز از مردگان و غلبه بر مرگ، مرا در حضور تو عادل ساخت. من اکنون او را بعنوان نجات دهنده در قلب خود می پذیرم.

آمین

غالباً نوجوانان شکایت دارند که مادرانشان آنها را درک نمی نمایند ولی وقتی مادر با محیط کار در خارج آشنا باشد در نظر فرزندان احترام بیشتری خواهد داشت. پس میتوان گفت که وقتی فرزندان به سن مدرسه رفتن میرسند دیگر حضور همسنگی مادر در خانه چندان لزومی نخواهد داشت. هر دو روش دارای معایب و محاسنی است. بعد از چند سال فرزندان خانه را ترک می نمایند. وظیفه زن بعنوان مادر فعال به پایان میرسد. در این موقع زن به وضعی قدم میگذازد که داشتن کار مناسب برای او اهمیت حیاتی دارد. در مورد خانم مریم پیراسته از این نظر ناراحتی ایجاد شده بود. وی وفادار بود ولی وقتی فرزند کوچانشان خانه را ترک نمود احساس تنهایی عجیبی به این مادر دست داد. شوهرش سخت مشغول کار بود و وقت اضافی نداشت. زندگی برای مریم پوچ گردید و احساس بی فایدگی میکرد. افزایش حد متوسط طول عمر در سالهای اخیر این امکان را به بسیاری از زنان داده است که بعد از این آخرین فرزندشان خانه را ترک کرد. آنها لاقلاً مدت بیست سال دیگر قدرت و انرژی کار کردن داشته باشند. چندان مناسب به نظر نمیرسد که یک خانم فعال و کاردار این بیست سال را فقط صرف خانه داری برای خود و شوهرش نماید. بهتر است کار مناسبی بیابد و در اجتماع منزلی کسب نماید و درعین حال پول کافی بدست آورد تا امکان بیشتری برای زندگی راحت و مسافرت و حتی بازنگشتگی زودتر برای شوهرش و خودش فراهم گردد. این روش خیلی بهتر از آن است که زن وقت خود را در خانه یا برای فعالیتهای ظاهراً خبریه تلف نماید و بی جهت در امور خانوادگی فرزندان خود مداخله کند. هر زن متجددی باید بسیار خوشحال باشد که در عصر جدید از استقلال مالی برخوردار است. امکان اشتغال به کار برای زنان دارای محاسن فراوانی است. زن دیگر مجبور نیست که بر اثر احتیاج مالی برخلاف میل خود شوهری اختیار نماید یا به علل مالی با شوهر نامناسبی اجباراً زندگی کند. اگر زن متوجه شود که شوهر نامناسبی دارد یا مجبور به طلاق شود یا شوهرش او را ترک نماید. میتواند با استفاده از درآمد خود زندگی خود و فرزندانش را اداره نماید. در این عصر کار کردن زنان در خارج از خانه رایج شده ولی این به آن معنی نیست که تمام زنهای مجبورند کار کنند یا این که زنهای باید تمام عمر و به طور تمام وقت مشغول کار خارج از خانه باشند. کار کردن زن گاهی ممکن است باعث استحمام وضع خانواده باشد ولی گاهی هم ممکن است باعث زیان زوجین یا یکی از آنها گردد. در این عصر جدید وظیفه هر زن فهمیده این است که راه صحیح را تشخیص دهد و از هر فرصتی که برای او به وجود آمده برای استحمام خانواده استفاده کند نه برای تضعیف آن. سوسن در حالی که از صدایش ناراحتی مشهود بود چنین گفت: من چند هفته قبل منزل شوهرم را ترک کردم. مدت دو سال با والدین بهزاد زندگی کردم. مادر شوهرم هیچگاه مرا تنها نمی گذاشت. او در تمام کارهای من دخالت میکرد.....

ادامه در شماره بعد.....



نویسنده: دیوید میس
مترجم: ط. میکائیلان
فصل هشتم، کار

موفقیت در زندگی زناشویی

ماهنامه تبدیل با پخش در بسیاری از مناطق فارسی زبان در آمریکا
با درخواست اشتراک و آگهی کار و خدمات خود، ما را در حفظ ماهنامه تبدیل یاری نمایید.

The Change Monthly Paper is Distributed to most of the Persian speaking community, and your monthly payment will help The Change paper to be more effective for the Persian speaking world.

Yes! I want to subscribe THE CHANGE \$30 for one year

Name _____
Address _____
City _____ State _____
Zip _____
Phone () _____

Please clip and return with payment to:
Iran for Christ ministries

P. O. Box 371043 Reseda, CA 91337 USA

Tabdil@iranforchrist.com

TEL: 818. 522. 1525 949. 681 . 8000

یک روز فراموش نشدنی



روز جهانی حیوانات همه ساله در ۴ اکتبر برگزار می شود. این جریان در فلورانس، ایتالیا در سال ۱۹۳۱، در کنفرانس زیست شناسی شروع شد. در این روز، زندگی حیوانات، از تمام گونه ها بزرگداشت

می شود، و رویدادهای ویژه ای در مکانهایی در سراسر جهان برگزار می شود.

۴ اکتبر در اصل به این دلیل به عنوان روز جهانی حیوانات برگزیده شد که روز بزرگداشت فرانسیس اسیزی، مرد طبیعت دوست و حامی حیوانات و محیط زیست است. کلیساهای بسیاری در سراسر جهان روز یکشنبه نزدیک به ۴ اکتبر را با دعا کردن برای حیوانات ادای احترام می کنند.

دزد نوع دوست

غروب یک روز بارانی زنگ تلفن به صدا درآمد. زن گوشی را برداشت. آن طرف خط پرستار دخترش با ناراحتی خبر تب و لرز شدید دختر کوچکش را به او داد. زن تلفن را قطع کرد و با عجله به سمت پارکینگ دويد، ماشین را روشن کرد و به نزدیک ترین داروخانه رفت تا داروهای دختر کوچکش را بگیرد. وقتی از آنجا بیرون آمد، متوجه شد به خاطر عجله ای که داشته کلید را داخل ماشین جا گذاشته است. زن پریشان با تلفن همراهش با خانه تماس گرفت. پرستار به او گفت که حال دخترش هر لحظه بدتر می شود. او جریان کلید اتومبیل را برای پرستار گفت. پرستار به او گفت که سعی کند با سنجاق سر در اتومبیل را باز کند. زن سریع سنجاق سرش را باز



کرد، نگاهی به در انداخت و با ناراحتی گفت: ولی من که بلد نیستم از این استفاده کنم. هوا داشت تاریک میشد و باران شدت گرفته بود. زن با وجود ناامیدی زانو زد و گفت: خدایا کمک کن!

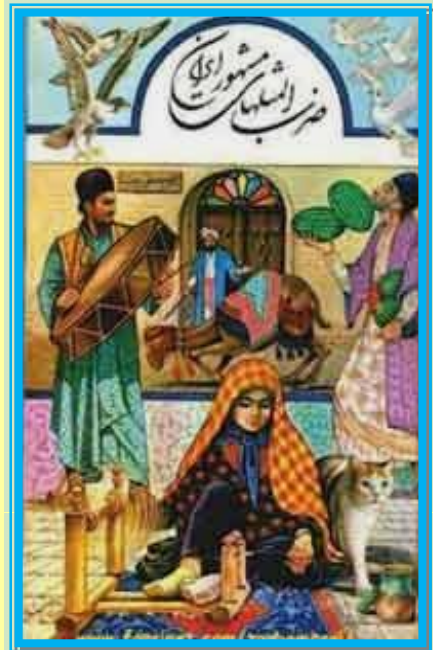
در همین لحظه مردی ژولیده با لباسهای کهنه به سویش آمد. زن یک لحظه با دیدن قیافه مرد ترسید و با خودش گفت: خدای بزرگ، من از تو کمک خواستم آنوقت این مرد! زبان زن از ترس بند آمده بود، مرد به او نزدیک شد و گفت: خانم، مشکلی پیش آمده؟ زن جواب داد: بله، دخترم خیلی بیمار است و من باید هر چه سریع تر به خانه برسم ولی کلید را داخل ماشین جا گذاشته ام و نمی توانم درش را باز کنم. مرد از او پرسید که آیا سنجاق سر همراه دارد؟ و زن فوراً سنجاق سرش را به او داد و مرد در عرض چند ثانیه در اتومبیل را باز کرد! زن بار دیگر زانو زد و با صدای بلند گفت: خدایا متشکرم!

سپس رو به مرد کرد و گفت: آقا متشکرم، شما مرد شریفی هستید! مرد سرش را برگرداند و گفت: نه خانم، من مرد شریفی نیستم. من یک دزد اتومبیل بودم و همین امروز از زندان آزاد شده ام! خدا برای کمک به زن دزدی فرستاده بود، آن هم یک دزد حرفه ای! زن آدرس شرکتش را به مرد داد و از او خواست که فردای آن روز حتماً به دیدنش برود. فردای آن روز وقتی مرد ژولیده وارد دفتر رئیس شرکت شد، فکرش را هم نمی کرد که روزی به عنوان رئیسه مخصوص در آن شرکت بزرگ استخدام شود...

ماهنامه تبدیل، در خدمت جامعه فارسی زبان

خواننده گرامی؛ چنانچه مایل هستید، شما میتوانید نسخه چاپی کتابمقدس فارسی را در این وب سایت مطالعه فرمائید.

www.SimaMasih.com



یک دم نشد که بی سر خر زندگی کنیم... از کجا آمده؟

واعظی نیمه شب، خر خود نشسته و به سوی خانه می رود که ناگهان جمعی اوباش که از تفرج صحرا بازمی گردند، سرخوش و مست سر راه بر او می گیرند، بازمانده شراب خود را در جامی ریخته به دست او می دهند و خنجری برهنه بر گلویش می گذارند که اگر ننوشی همین جا پایان راه است!



اما واعظ اگر چه به ظاهر فغان برمی آورد که «وای بر شما بی دینان!»، در باطن از شادی در پوست نمی گنجید که باری به لطف شیطان مانده از آسمان رسیده فرصتی بی همتا به چنگ آمده است تا بی وحشت از دوزخ جامی باده سر کشد و از لذت مستی به تجربه آگاه شود بی آنکه بار نگاه باده خواری به گردن گیرد. پس او همه نخواهم و انکار می شود و جاهلان همه پافشاری و اصرار، تا سرانجام کار به اتمام حجت می کشند که اگر بیش از این تعلل کند خورش به گردن خود او خواهد بود. آنگاه با تظاهر به تنفر و ناگزیری، پیف و پوف کنان پیاله را به دهان می برد، اما همان دم، خر واعظ که از جوش و خروش مستی حشره در حفره گوش خویش به جان آمده است ناگهان بی قرارانه حرکتی سخت به سر گوش و گردن خود می دهد چنان که واعظ فرصت به خود آمدن نمی یابد. پیاله از کفش به زیر میافتد و نصیبه گران بهای گناه بی کیفر با آخرین قطره باده نصیب خاک میشود.



بزرگترین سوالات بی جواب ۱۰ سال گذشته

نظر سنجی و تحقیقات جدید سوالات بی پاسخ جهان در یک دهه اخیر را از قبیل "مفهوم حیات چیست؟" و "سرنوشت یک گانگستر تلویزیونی" که تا کنون پاسخی دقیق برای آنها ارائه نشده را تعیین کرده است. از دیگر موضوعات پیچیده ای که توسط پایگاه مطالعاتی و نظر سنجی Ask Jeeves به عنوان بی پاسخ ترین سوالهای دنیا انتخاب شده میرایی، راز خوشبختی و حتی بهتر بودن زندگی افراد موبور بوده اند. این موتور جستجو اکنون نتیجه بررسیهای خود را که طی دهه اخیر و از طریق طرح میلیاردها سوال گردآوری کرده در قالب سوالات بی جواب برتر منتشر کرده است.

سوالهای بی شمار این وبسایت بسیار گسترده بوده و از سؤالی کلیشهای مانند "عشق چیست" گرفته تا "مشهورترین انسان روی کره زمین کیست" را در خود گنجانده بوده است. این وبسایت ماهانه به ۱۶ میلیارد سوال پاسخ می دهد اما در عین حال اعتراف می کند که حتی متخصص ترین و داناترین نیروهایش در برابر پاسخ برخی از سوالات ناتوان هستند. این پایگاه انجمنی را نیز بوجود آورده است که کاربران با عضویت در آن می توانند به سؤالات یکدیگر به ویژه سؤالاتی که پاسخ آشکاری برای آنها یافته نشده است، پاسخ دهند. برترین سوال بی پاسخ جهان از دید این وبسایت سوال "مفهوم حیات چیست" بوده است. با این حال تمامی سؤالاتی که به نظر بی پاسخ می آیند چندان نیز متفکرانه و عقلانی به نظر نمی آیند.

بر اساس گزارش تلگراف، برای مثال میلیونها نفر در جهان هستند که می خواهند از سرنوشت "تونی سوپرانو" گنگستر مشهور یکی از سریالهای تلویزیونی مشهور پس از نمایش قسمت پایانی نامشخص و نیمه تمام این برنامه آگاه شوند. سوال بی پاسخ برتر دهه گذشته:

- ۱) مفهوم حیات چیست؟
- ۲) آیا افراد بور زندگی شادتری دارند؟
- ۳) بهترین راه برای کاهش وزن چیست؟
- ۴) آیا خارج از زمین حیات وجود دارد؟
- ۵) مشهورترین انسان روی زمین کیست؟
- ۶) عشق چیست؟
- ۷) راز خوشبختی چیست؟
- ۸) آیا تونی سوپرانو مرده؟
- ۹) چقدر زنده خواهم بود؟

کشیش و اضطراب در هواپیما



کشیش سوار هواپیما شد. کنفرانسی تازه به پایان رسیده بود و او می‌رفت تا در کنفرانس دیگری شرکت کند؛ می‌رفت تا خلق خدا را هدایت کند و به سوی خدا بخواند و به رحمت‌الهی امیدوار سازد. در جای خویش قرار گرفت. اندکی گذشت، ابری آسمان را پوشانده بود، اما زیاد جلدی به نظر نمی‌رسید. مسافران شادمان بودند که سفرشان به زودی شروع خواهد شد!

هواپیما از زمین برخاست. اندکی بعد، مسافران کمربندها را گشودند تا کمی بیاسایند. پاسی گذشت. همه به گفتگو مشغول؛ کشیش در دریای

اندیشه غوطه‌ور که در جمع بعد چها باید گفت و چگونه بر مردم تأثیر باید گذاشت. ناگاه، چراغ بالای سرش روشن شد: «کمربندها را ببندید!» همه با اکراه کمربندها را بستند؛ اما زیاد موضوع را جلدی نگرفتند. اندکی بعد، صدای ظریفی از بلندگو به گوش رسید، «از نوشابه دادن فعلاً معذوریم؛ طوفان در پیش است.» موجی از نگرانی به دلها راه یافت، اما همانجا جا خوش کرد و در چهره‌ها اثری ظاهر نشد، گویی همه می‌کوشیدند خود را آرام نشان دهند. باز هم کمی گذشت و صدای ظریف دیگری بلند شد، «با پوشش فعلاً غذا داده نمی‌شود؛ طوفان در راه است و شدت دارد. نگرانی، چون دریایی که بادی سهمگین به آن یورش برده باشد، از درون دلها به چهره‌ها راه یافت و آتاراش اندک اندک نمایان شد! طوفان شروع شد؛ صاعقه درخشید، نعره رعد برخاست و صدای موتورهای هواپیما را در غرش خود محو و نابود ساخت؛ کشیش نیک نگرست؛ بعضی دستها به دعا برداشته شد؛ اما سکوتی مگر بار بر تمام هواپیما سایه افکنده بود؛ طولی نکشید که هواپیما همانند چوب پنبه بر روی دریایی خروشان بالا رفت و دیگر بار فرود افتاد، گویی هم اکنون به زمین برخورد می‌کند و از هم تلاشی می‌گردد. کشیش نیز نگران شد؛ اضطراب به جانش چنگ انداخت؛ از آن همه که برای گفتن به مردم در ذهن اندوخته بود، هیچ باقی نماند؛ گویی حیایی بود که به نوک خارک ترکیده بود؛ پنداری خود کشیش هم به آنچه که می‌خواست بگوید ایمانی نداشت. سعی کرد اضطراب را از خود برهاند؛ اما سودی نداشت. همه آشفته بودند و نگران رسیدن به مقصد و از خویش پرسان که آیا از این سفر جان به سلامت به در خواهند برد؟! گاهی به دیگران انداخت؛ نبود کسی که نگران نباشد و به گونه‌ای دست به دامن خدا نشده باشد. ناگاه نگاهش به دختری که افتاد خردسال؛ آرام و بی‌صدا نشسته بود و کتابش را می‌خواند؛ یک پایش را جمع کرده، زیر خود قرار داده بود. ابدأ اضطراب در دنیای او راه نداشت؛ آرام و آسوده‌خاطر نشسته بود. گاهی چشمانش را می‌بست، و سپس می‌گشود دیگر بار به خواندن ادامه می‌داد. پاهایش را دراز کرد، اندکی خود را کش و قوس داد، گویی می‌خواهد خستگی سفر را از تن براند؛ دیگر بار به خواندن کتاب پرداخت؛ آرامشی زیبا چهره‌اش را در خود فرو برده بود. هواپیما زیر ضربات طوفان مبارزه می‌کرد، گویی طوفان مشت‌های گره کرده خود را به بدنه هواپیما می‌کوفت، یا می‌خواست مسافران را که مشتاق زمین سفت و محکمی در زیر پای بودند، بترساند. هواپیما را چون تویی به بالا پرتاب می‌کرد و دیگر بار فرود می‌آورد. اما این همه در آن دخترک خردسال هیچ تأثیری نداشت، گویی در گهواره نشسته و آرام‌نکان می‌خورد و در آن آرامش بی‌مانند به خواندن کتابش ادامه می‌داد. کشیش ابدأ نمی‌توانست باور کند؛ در جایی که هیچ‌چیک از بزرگسالان از امواج ترس در امان نبود، او چگونه می‌توانست چنین ساکن و خاموش بماند و آرامش خویش حفظ کند. بالاخره هواپیما از چنگ طوفان رها شد، به مقصد رسید، فرود آمد. مسافران، گویی با فرار از هواپیما از طوفان می‌گریزند، شتابان هواپیما را ترک کردند، اما کشیش همچنان بر جای خویش نشست. او می‌خواست راز این آرامش را بداند. همه رفتند؛ او ماند و دخترک. کشیش به او نزدیک شد و از طوفان سخن گفت و هواپیما که چون تویی روی امواج حرکت می‌کرد. سپس از آرامش او پرسید و سببش؛ سؤال کرد که چرا هراس را در دلش راهی نبود آنگاه که همه هراسان بودند؟! دخترک به سادگی جواب داد: «چون پدرم خلبان بود؛ او داشت مرا به خانه می‌برد؛ اطمینان داشتم که هیچ نخواهد شد و او مرا در میان این طوفان به سلامت به مقصد خواهد رساند؛ ما عازم خانه بودیم؛ پدرم مراقب بود؛ او خلبان ماهری است» گویی آب سردی بود بر بدن کشیش؛ سخن از اطمینان گفتن و خودبه‌آن‌ایمان داشتن؛ این است راز آرامش و فراغت از اضطراب!

خیلی از اوقات انواع طوفانها ما را احاطه می‌کند و به مبارزه می‌طلبد. طوفانهای ذهنی، مالی، خانگی، و بسیاری انواع دیگر که آسمان زندگی ما را تیره و تار می‌سازد و هواپیمای حیات ما را دستخوش حرکات غیرارادی می‌سازد، آن چنان که هیچ اراده‌ای از خود نداریم و نمی‌توانیم کوچکترین تغییری در جهت حرکت طوفانها بدهیم. همه اینگونه اوقات را تجربه کرده‌ایم؛ بیاید صادق باشیم و صادقانه اعتراف کنیم که در این مواقع روی زمین سفت و محکم بودن به مراتب آسان‌تر از آن است که روی هوا، در پهنه آسمان تیره و تار، به این سوی و آن سوی پرتاب شویم. اما، بخاطر داشته باشیم، که پدر ما که در آسمان است و خلبانی هواپیما را به عهده دارد و با دست‌های آزموده و ماهر خویش آن را در پهنه بی‌کران زندگی هدایت می‌کند. او ما را به منزل خواهد رساند؛ او مقصد ما را نیک می‌داند و هواپیمای زندگی ما را از طوفانها خواهد رها کند...

برپایی مراسم مرده پرستی پشت دیوارهای پایتخت

شرق، افزایش روز افزون حاشیه نشینی در اطراف تهران و مهاجرت داخلی و خارجی از یک سو و عدم فعالیت‌های فرهنگی، تبلیغی توسط مراکز و نهادهای فرهنگی از سوی دیگر موجب شده تا برخی مردمان این حاشیه نشینی‌ها رو به آداب و رسوم وارداتی و بعضاً جاهلی آورده و آسیب‌هایی را برای منطقه به وجود آورند. یکی از این آداب و رسوم جاهلی، مراسم مرده پرستی است که هر ساله از نیمه مردادماه تا اول شهریور در روستای «ک» برگزار می‌شود. شنیده‌ها حاکی از آن است که برگزارکنندگان این مراسم مجوزی از سوی یکی از سازمان‌های فرهنگی اخذ نموده‌اند. سخنران این مراسم نیز فردی است به نام «م. کیان» که گفته می‌شود در اوایل انقلاب از سرپرستان حزب کمونیست بوده است. در این مراسم از احترام ارواح تا عبادت و نذر و نیازهای عجیب برای مردگان و حتی نظر خواهی از مردگان درباره ازدواج دختران و سپران انجام می‌شود. از مهمترین هدایات کنندگان و حمایت‌کنندگان این مراسم «د.ک» از اعضای شورای روستای «ک» می‌باشد. اجرای کنسرت موسیقی سنتی از مهمترین عناوین این مراسم به شمار می‌آید.

آیا عیسی خداست؟

«من خدا هستم». عیسی مسیح ادعا کرد خداست. به طور مثال اگر به یوحنا ۱:۱۰ ۳۰ مراجعه کنیم، عیسی مسیح را می‌بینیم که ادعا نمود: «من و پدر یک هستیم». شاید در اولین نگاه به نظر نرسد که او اشاره به الوهیتش می‌کند، ولی عکس‌العمل یهودیان نسبت به سخنان او ثابت می‌کند آنها منظور او را به خوبی درک کردند. یهودیان در جواب گفتند: بسبب عمل نیک تو را سنگسار نمی‌کنیم بلکه به سبب کفر زیر تو انسان هستی و خود را خدا می‌خوانی، یوحنا ۱۰:۳۳. یهودیان به خوبی فهمیدند که عیسی خود را خدا می‌داند. آیات بعدی نشان می‌دهند که عیسی مسیح نه با برداشت آنان مخالفت کرد و نه سعی کرد آن را اصلاح کند. اینها همه اشاره به این واقعیت می‌کند که عیسی ادعای خدائی کرد. «من و پدر یک هستیم». یوحنا ۱۰:۳۰. این ادعا در یوحنا ۵:۸ نیز دیده می‌شود: عیسی بدیشان گفت: آمین آمین بشما می‌گویم که پیش از آن که ابراهیم پیدا شود من هستم. و یهودیان مجدداً قصد سنگسار کردن او کردند، یوحنا ۵:۹. تنها دلیل یهودیان برای سنگسار کردن عیسی این بود که آنان او را بخاطر ادعای الوهیت کافر می‌شمردند، یوحنا ۱۰:۱۰ می‌گوید: «...و کلمه خدا میدهند که عیسی ۱۴:۱ می‌خوانیم: «و کلمه جسم گردید...» این آیات بوضوح تعلیم میدهند که عیسی خداست. اعمال ۲۸:۲۰ به ما می‌گوید: پس نگاه دارید خویشتن و تمامی آن گله را که روح القدس شما را بر آن اُسُف مقرر فرمود تا کلیسای خدا را رعایت کنید که آن را به خون خود خریده است. چه کسی کلیسا را به خون خود خریده است؟ عیسی مسیح. ولی اعمال ۲۸:۲۰ می‌گوید «خدا... آن را به خون خود خریده است.» پس عیسی همان خداست. توما، یکی از شاگردان مسیح، این چنین اعتراف کرد: «...ای خداوند من، و ای خدای من» یوحنا ۲۰:۲۸. و مجدداً عیسی را می‌بینیم که سعی نکرد کلام او را اصلاح کند. تیتس ۱۳:۲ ما را تشویق می‌کند تا منتظر آمدن خدا و نجات‌دهنده خود عیسی مسیح باشیم. (دوم پطرس ۱:۱۰ را نیز ملاحظه کنید) خدای پدر در عبرانیان ۸:۱ درباره عیسی مسیح چنین می‌گوید: اما در حق پسر، ای خدا تخت تو تابداً آباد و عصای ملکوت تو عصای راستی است. در مکاشفه فرشته به یوحنا رسول تعلیم می‌دهد که فقط خدا را پرستش کند، مکاشفه ۱۹:۱۰. در اناجیل عیسی مسیح بارها مورد پرستش واقع شد (متی ۱۱:۲؛ لوقا ۹:۲۸، ۳۳:۱۴؛ یوحنا ۶:۲۹؛ ۷:۲۹؛ ۸:۹) ولی هرگز آنان را که او را می‌پرستیدند سرزنش نکرد. اگر عیسی مسیح خدا نبود، اجازه نمی‌داد مَرُوم او را ببرستند. بطور یقین او نیز، به مانند فرشته‌ای که با یوحنا سخن گفت، به آنان تعلیم میداد که او را نپرستند. کتابمقدس شامل آیات و بخشهای فراوانی است که به الوهیت عیسی اشاره می‌کنند. مُهم ترین دلیل خدا بودن عیسی این است که اگر او خدا نباشد، مرگ او به عنوان یک انسان مُحض نمی‌تواند برای پرداخت جریمه گناهان همه جهان بسنده و کافی باشد، اول یوحنا ۲:۲. تنها خدا قادر بود این چنین جریمه سنگینی را پرداخت نماید. تنها خدا می‌توانست گناهان جهان را بر خود گرفته، دوم قرنتیان ۵:۲۱ بپذیرد، و با برخاستن از مردگان پیروزی خود را بر گناه و مرگ اعلام نماید.

فتوایی به استناد قرآن درباره ازدواج با زن



ایشان فتوایی را با استفاده و استناد به آیه‌ای از قرآن نقل می‌کنند که براساس آن هر مردی می‌تواند تعداد «نه» همسر در آن واحد داشته باشد. طبق گزارشی به نقل از شیعه آنلاین می‌نویسد، در لابلای کتب حدیثی و فقهی اهل سنت، روایات و فتواهایی تعجب برانگیز زیادی دیده می‌شود که پرسش‌های زیادی را در ذهن خواننده ایجاد می‌کند. «فخرالدین

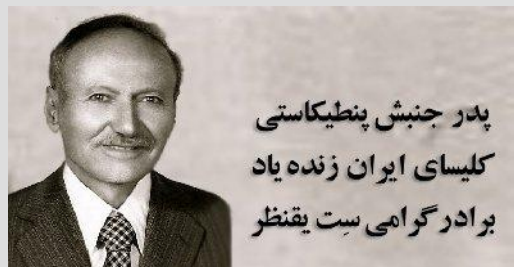
زیلعی حنفی» فتوایی را با استفاده و استناد به آیه‌ای از قرآن از «قاسم بن ابراهیم» نقل می‌کند که بر اساس آن هر مردی می‌تواند تعداد «نه» همسر در آن واحد داشته باشد. وی در این باره می‌گوید: خداوند ازدواج با دو زن را با عبارت «مثنی» جایز دانسته است، و در ادامه این عبارت را «ثلاث و رباع» و با او عطف که به معنای جمع است ذکر فرموده است، پس در این صورت مجموع زنانی که برای انسان جایز است ۹ زن می‌شود. «فخرالدین زیلعی حنفی» در ادامه می‌افزاد: «نخعی» و «ابن ابی لیلی» نیز چنین فتوایی را صادر کرده‌اند. از این مهمتر سخن کسانی است که حد و مرزی در تعداد همسران نمی‌شناسند، مانند «شوکانی» به نقل از «ظاهریه» و «ابن صباغ» و «عمرانی» و «قاسمیه» از فرق زیدیه و «نظام الدین اعرج»، او در تفسیر آیه: «فانکحوا ما طاب لکم من النساء» می‌گوید: گروهی از این آیه این گونه استفاده کرده‌اند که در تعداد همسر هیچ محدودیتی وجود ندارد زیرا آیه «اطلاق» دارد و خداوند عدد خاصی را بیان نفرموده است. در همین حال «ابن حزم» در سخنانی شیعیان را متهم می‌کند که آنان داشتن «۹» همسر را در آن واحد جایز می‌دانند.

درگذشت برادر ست یقنظر

زنده یاد کشیش "ست یقنظر" را میتوان یکی از تأثیرگذارترین رهبران روحانی معاصر در کلیساهای ایران دانست که با بهره گیری از حرکت روحانی پر شدن از روح خداوند موسوم به "جنبش پنتیکاستی" توانست روح تازه ای به کالبد مسیحیت در ایران بدمد. "از نبودن این خادم خداوند در میانمان به سختی دلتنگ هستیم اما او حقیقتاً نمرده است بلکه در خداوندمان عیسی مسیح آرامیده و با وی زندگی نوینی آغاز کرده است".

روز چهارشنبه ۲۸ مهرماه ۱۳۸۹ برابر با (۲۰ اکتبر ۲۰۱۰) کشیش "ست یقنظر"

پدر کلیساهای پنتیکاستی ایران در سن ۹۹ سالگی در لندن به دلیل کهنسنت سن در خداوند خوابید.



پدر جنبش پنتیکاستی
کلیسای ایران زنده یاد
برادر گرامی ست یقنظر

این چهره درخشان مسیحیت معاصر ایران ۵۵ سال پیش اولین کلیسای پنتیکاستی کشور را در منزل خود به همراه تعدادی دیگر از ایمانداران مسیحی واقع در تهران بنا نهاد (در آن زمان ساختمان کلیسای جماعت ربانی وجود نداشت). او که یک خادم امین خداوند بود در طی حدود یک قرن زندگی پر برکت خود پایه گذار بسیاری از خدمات کلیساها و مجامع مسیحی به زبان فارسی بود که بعدها توسط افراد نام آور دیگری گسترش یافتند. بسیاری از ایمانداران ایرانی از جمله نوکیشان مسیحی که تا همین چند سال قبل در کلیسای جماعت ربانی مرکز تهران رفت و آمد داشتند، پیرمرد استواری را به یاد می آورند که با وجود گذشتن بیش از ۹۰ سال از سن ایشان همیشه در صفوف پرستش و نیایش خداوند در کنار آنها ایستاده بود. به شهادت یکی از این ایمانداران که او را از نزدیک می شناخت برادر "ست" را بی هیچ تعارف میتوان در فهرست ایمانداران برجسته باب ۱۱ عبرانیان قرار داد، در فهرست مردان و زنانی که خدا نه تنها عار ندارد خدای آنها خوانده شود بلکه به وجود چنین فرزندان افتخار میکند. کسانی که او را در طی چند سال آخر عمر وقتی در لندن ساکن شده بود از نزدیک دیده اند اذعان میکنند که او را تا به آخر شخصی سرشار از برکت خداوند و پر از روح القدس یافته اند. به گفته آنان امکان ندانستن که شخصی از کنار او بگذرد بدون اینکه تأثیری مثبت روحانی از ایشان دریافت نماید. این مرد خدا حتی تا آخرین ساعات عمرش هرگاه نام عیسی مسیح را بر زبان می آورد بسیار قوی و زورمند نشان میداد و اسم خداوند در چشمان او شوقی وصف ناشدنی نمودار میساخت.

زنده یاد کشیش "ست یقنظر" را میتوان یکی از تأثیرگذارترین رهبران روحانی معاصر در کلیساهای ایران دانست که با بهره گیری از حرکت روحانی پر شدن از روح خداوند موسوم به "جنبش پنتیکاستی" توانست روح تازه ای به کالبد مسیحیت در ایران بدمد. این حرکت روحانی که از اواخر قرن ۱۹ میلادی در آمریکای شمالی و انگلستان بر اساس آیاتی از فصل دوم کتاب اعمال رسولان در انجیل عهد جدید، دوباره مورد توجه کلیساهای پروتستان قرار گرفته بود توانست به زودی هزاران کلیسا در سراسر دنیا را برکت دهد و صدها میلیون نفر را به خود جلب نماید. به این ترتیب ایشان و تعدادی دیگر از ایمانداران مسیحی از بنیانگذاران کلیسائی بودند که بعدها به "جماعت ربانی" شهره گشت و شاگردان و خادمین بسیاری ارزنده ای را تقدیم مردم ایران و جامعه مسیحی کشورمان کرد، کسانی که هرکدام به نوبه خود ستونهای بنای استواری برای نشر کلام خداوند در سرزمین قوم آریائی شدند و با کمک تجربه شخصی روح القدس و تعمید در او توانستند موجد بیداری روحانی عمیقی در بین بخش قابل توجهی از مردم گردند. قابل ذکر است که فرزندان زنده یاد کشیش "ست یقنظر"، برادران ساه، لازاروس و لوکاس هستند که هرسه از رهبران روحانی و معلمان ارشد سازمانهای خدمتگزار مسیحی و کلیساهای فارسی زبان چهار گوشه عالم میباشند و بواسطه خدمات روحانی خود از اعتبار و احترام خاصی در بین جامعه مسیحیان ایران برخوردارند.

ما در ماهنامه تبدیل و از طرف تمام اعضای کلیساهای سفیران مسیح ضمن گرامیداشت این مرد خدای درگذشت موقتی ایشان را به جامعه مسیحیان و کلیسای فارسی زبان و بخصوص خانواده و بازماندگان محترم ایشان تسلیت میگوید.

با تشکر از شبکه خبر مسیحیان فارسی زبان

تاریخچه هالوین



در کشور آمریکا شیطان پرستی در

شمار مذاهب رسمی است. به این مفهوم که بطور قانونی به ثبت رسیده و از پرداخت مالیات هم معاف میباشد. امروزه مبینیم که شیطان پرستان دارای دانشکده ویژه خود میباشند تا جایی که صدها دانشجو در رشته علوم شیطان پرستی و جادوگری تحصیل میکنند. حتی به زندانیان شیطان پرست اجازه میدهند که آداب و رسوم خاص مراسم عبادتی خود را انجام دهند. متأسفانه بیشتر پیروان این مذاهب شیطانی؛ سیاستمداران؛ پزشکان؛ افرادی در رده های بالای پلیس و حتی کشیشانی به ظاهر خادم خدا هستند. خوب است که بدانیم جشن هالوین زیربنای شیطانی و بت پرستی دارد. جشن هالوین آمیخته با شب مقدس کاتولیک هاست. شب یادبود مقدسین کلیسای کاتولیک در ماه می و از سال ۸۴۳ میلادی آغاز شد. سپس برای خوشنودی حکومت و مردم رُم این تاریخ را به اول ماه نوامبر تغییر داده اند. (روز جشن اله درخت ومیه) سپس در آلمان و کشورهای اسکاندیناوی اول نوامبر را به آخر اکتبر تغییر دادند. بدین سبب شب مقدس Holly Evening به هالوین تبدیل شد؛ که انگلیسی ها با مهاجرت به آمریکا این رسم را به ارمان آورده و اشاعه دادند. سی و یکم اکتبر یعنی روز هالوین سال روز مادر زمین نماد برکت است. در گذشته های بسیار دور پیشینیان؛ انسانهای زنده را در زنبیل ها گذاشته بعنوان قربانی به مادر زمین تقدیم می کردند و با این تقدیم در واقع آن ها را زنده به گور کرده؛ می کشیدند.

بنابراین رفته رفته این شب مقدس کاتولیک به شب هالوین و یا شب ظهور ارواح شریر تغییر یافته است در چنین روزی برای دستیابی به برکت فراوان (دام و غله) اولین فرزند خانواده را قربانی می کردند و باور داشتند که جادوگران سوار بر جاروی خود در آسمان به پرواز در می آیند و زنان با شیطان کارهای زشتی انجام میدهند. در این میان شیطان خود شیپور می نوازد و ارواح شریر بر بلندی تپه ها با جادوگران به رقص و پایکوبی می پردازند و در شب های مهتابی در زیر نور زرد ماه؛ گربه های سیاه؛ خفاش ها و جن و پری های با آنها همراهی و همکاری می کنند و همچنین اعتقاد داشتند که ارواح شریر همراه ارواح مقدسین در این شب بیرون می آیند. از این رو برای پدیرایی از آنها سیب و گردو و بادام و غذا و نوشیدنی در داخل سینی ها گذاشته تقدیم ارواح می کردند. هنگامیکه رومی های فاتحانه بریتانیای کبیر را تسخیر کردند جشن شیطان پرستی را به انگلستان و بالاخره مهاجرین انگلیسی این جشن را با خود به آمریکا هدیه آوردند.

امروزه آنچه ظاهراً از این جشن مبینیم شادی برای بچه ها و تعارف و تقسیم شیرینی و شکلات است؛ اما در پس پرده قدرت شیطان است که تقویت می شود و همچنین گاهی دیده شده که شیطان پرستان در چنین شبی خوردنیها و شکلاتهای مسموم در میان مردم توزیع میکنند. چنانچه به اخبار حوادث تلویزیون در شب هالوین توجه کنید حوادثی نظیر؛ آتش سوزی؛ ضرب و شتم و حتی مرگ و میر بیشتر از هر وقت دیگر به چشم میخورد. در این شب انسان بی خبر از حقیقت قربانی می شوند. میگویند مردی به نام جک شیطان را فریب داد تا با او کاری نداشته باشد. وقتی جک در گذشت چون اجازه رفتن به بهشت یا جهنم به او داده نشد او خود را در تاریکی با نهادن زغال روشنی درون یک شلغم توخالی جستجو میکرد. امروزه مرسوم است که مردم از کدو به جای شلغم استفاده می کنند. با کمی تأمل در می یابیم که اسکلت؛ ماسک دراکولا؛ زخمهای مصنوعی روی صورت؛ تیوپیهای خون مصنوعی؛ ماسک های گربه و سگ و خفاش؛ جارو؛ کدوی نورانی؛ بادام؛ سیب و خانه ها تزئین شده توأم با نور زرد فقط یک جشن معمولی برای تفریح و داشتن وقتی خوش نیستند. هنگامیکه مسیحیت رواج یافت؛ دشمنان کلیسا با تحقیر و آزار مسیحیان در شب هالوین؛ شیطان را می ستودند. پرستندگان شیطان مجسمه و مذبح و صلیب و منبر هم در برابر خانه های خود قرار می دادند و در قرون گذشته بر دیوارهای کلیسا صلیب های زشت کشیده مسیحیان را مسخره می کردند.

معلومات کتاب مقدسی شما

پاسخ سؤال اول: جبرئیل؛ لوقا ۱: ۱۱۶ الی ۳۲

پاسخ سؤال دوم: شهر بیت لحم؛ لوقا ۲: ۱۹ الی ۲۵



چیلی

مواد لازم

- ۱- تخم مرغ شش عدد
- ۲- شیرنیم گیلان
- ۳- روغن دو سه قاشق بزرگ
- ۴- شکر کم
- ۵- خمیر مایه به دلخواه

طرز تهیه:

تخم مرغها را جدا جدا درون ظرف شکسته با هم مخلوط میکنیم.

شیر و شکر و روغن را



اضافه نموده به هم بزنی. سپس کم کم آرد را اضافه کن. به اندازه که خمیر ما آبلغنی باشد! و به راحتی ته ماهیتابه هموار گردد. ماهیتابه نسوز را داغ نموده مقدار یک ملاقه ته آن ریخته و هم میزیم که هموار گردد. پشت و روی آن را می پزیم.



نان چیلی را هنگام صبحانه با نوتیلا یا مربا... نوش جان کنید.



از شما دعوت می کنیم تا از وبسایتهای ما دیدن فرمائید:

www.IRANforCHRIST.com

www.SimaMasih.com

www.TabdilMagazine.blogfa.com

THE CHANGE Magazine

TEL: 818. 522. 1525

Tabdil@iranforchrist.com

{www.Tabdilmagazine.blogfa.com}

{www.SimaMasih.com}

P. O. Box 371043 Reseda, CA 91337 USA

Benefits of Faith

The Bible teaches us that genuine faith is "more precious than gold that perishes" (1 Peter 1:7). Indeed such faith is going to be "tested by fire". You can expect difficulties and persecutions in your life of faith, as well as blessings. Therefore to encourage you to hold onto and develop your faith, we will consider some of the benefits of faith.

1. Faith brings salvation. (Ephesians 2:8,9). Whosoever believes in Him has eternal life. (John 3:16), and shall not come into judgment, but has passed from death to life. (John 5:24). The just shall live by faith. (Romans 1:17)

2. Faith brings answers to prayer. "And whatever things you ask in prayer, really believing, you'll receive." (Matthew 21:22). Since God tells us to pray for our daily bread (Matthew 6:11), faith is therefore a key to our material provision.

3. Faith brings all the benefits of salvation into our lives (Ephesians 2:8,9). This includes healing, prosperity, peace, love, joy (1 Peter 1:8), deliverance from demons and the curse, sanctification of the mind and emotions (the salvation of the soul) and any other benefit which the word of God promises to us.

4. Faith is a spiritual force through which our ministry for Christ becomes effective. (Mark 11:23; Matthew 17:19,20). Faith is a major key to ministry success. It brings to you what you need for your ministry, and by imparting it to others through your life and your ministry of God's Word, you enable them to receive the blessings of God's grace mentioned above.

5. In particular, faith is the major key for an effective healing & deliverance ministry. Jesus Christ "the same yesterday, today and forever" lives in the Christian (Hebrews 13:8; Galatians 2:20), and through the Christian wants to reveal the power of salvation to men in a way they can see and feel. In this way, our evangelism concerning the Kingdom of God will not be in talk, but in power (1 Corinthians 4:20).

How to Develop Faith

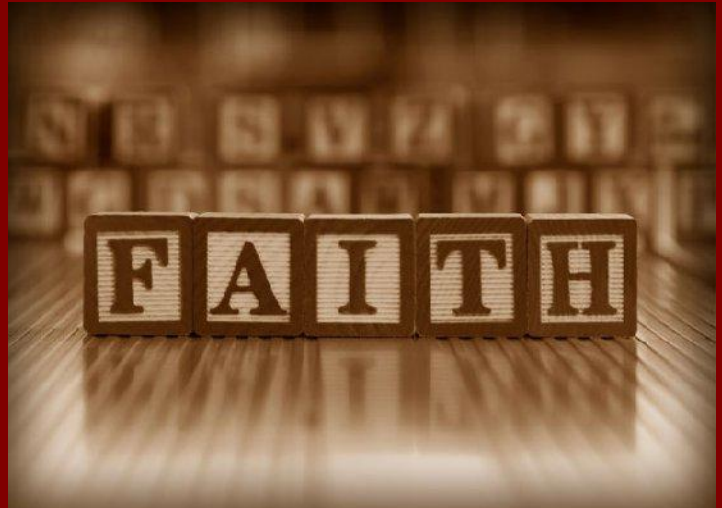
We see how important faith is. Yet some people despair here, thinking that they don't have faith. Yet faith comes (Romans 10:17), it can grow and develop. If you are not full of faith today, that doesn't mean you will be that way all your life. You can choose to be a person of faith!

Here are some keys to developing faith.

1. Listen to the Word of God as much as possible. "Faith comes by hearing, and hearing by the Word of God" (Romans 10:17). Constant attention to the Word of God produces faith, especially if we attend to it with an open heart and mind. The book of Proverbs encourages us to constantly keep the Word in our hearts and to keep our attention on it (Proverbs 4:20-22). Health is one of the benefits promised. What we listen to affects what we believe. If we listen to the TV more than to the Word, we will believe the lies of the world more than we will believe what God says. Constant attention to lies produces deception. Eventually the mind will accept something if that thing is heard often enough and persuasively enough. That is why we should keep hearing the Word of God, through preaching, Christian tapes, confession of the Word, daily fellowship with godly Christians. This will cause us eventually to believe the truth from our hearts.

2. Realize that every believer has been given a measure of faith by God. (Romans 12:3). We just have to use and develop what God has given. We must put it into action.

3. Pray in tongues and be full of the Spirit (Jude 20). We will look at this later. If you have been baptized in the Spirit as the disciples were in the book of Acts, you should pray and praise in tongues often because through this you "edify yourself" (1 Corinthians 14:4) and "build yourself up in your most holy faith". Praying in tongues is a key to being full of the Spirit. Since faith is a fruit of the Spirit, all things things are related together.



4. Obey God and the conviction of the Holy Spirit. It is as you walk that you gain strength. God will not reveal greater things to you until you are faithful in the things He is showing you NOW. Therefore obedience to the Spirit and what He is showing you through the Word or through your conscience is important in the development of your faith. You cannot have living faith without taking some practical steps of obedience. Act on what God is saying!

5. Give thanks. Give thanks for the results before you see. Don't complain-that shows you doubt God's love & God's answer to your situation. Give thanks in all situations (1 Thessalonians 5:18).

6. Develop a life of praise and worship. Praise drives the powers of darkness away and brings the throne of God into your circumstances. Praising God is an act of faith and helps your faith to grow. It is commanded (Hebrews 13:15). Worship is admiring God through the Spirit. If you can perceive who is God, His power, faithfulness and love your trust and faith in Him will grow.

7. Spend as much time as you can with people of faith. The spirit of faith on them will touch your life also (Proverbs 13:20).

8. Speak the WORD. By saying with your mouth you exercise your faith, you hear the Word and you build it into your life. God's Word is anointed and has power when it is spoken to change the spiritual atmosphere (Joshua 1:8; Romans 10:10). Confession of God's Word (saying the same thing as God's word) brings you into the place where the Lord will move to fulfill it (Hebrews 3:1). The angels hearken to the voice of God's Word (Psalms 103:20).

9. Seek holiness, purity of heart. "Pursue peace with all men, and holiness, without which no one will see the Lord." (Hebrews 12:14). It is with the heart that man believes (Romans 10:10). To the extent that the heart has uncleanness, unforgiveness and other bad conditions within, the man will lose the spiritual perception of the Lord which enables his heart to believe. Purity and faith feed each other.

10. Remember that faith works by love (Galatians 5:6). The centurion (Matthew 8:5-13) and the woman of Canaan (Matthew 15:21-28) were both motivated by their love for another in coming to Jesus. And both were described as having great faith. Let us believe God for others to be blessed, in a spirit of love, and as we give of our selves God will give blessings to us also (Luke 6:37). This is related to the idea of "seed-faith". Express your faith by planting a seed in terms of some form of giving. God will release a multiplied harvest in return if we endure and do not faint (Hebrews 10:36).